



پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به  
اعضاء و هواداران  
به مناسبت شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان  
در صفحه ۸

### طرح فلاکت نوین اقتصادی رژیم

بحران عمیق و همه جانبه اقتصاد کشور ما را فرا گرفته است. اقتصاد دو بسته و بیما رکشور ما که عمدتاً بر درآمد نفت متکی است، با افت شدید درآمد نفت از ۲۵ میلیارد دلار به حدود ۲ میلیارد دلار اختصاص بخش عظیم آن به خرید سلاح جهت ادا مه جنگ، بسا مشکلات توان فرسا روبرو شده است. سردمداران تاریک اندیش رژیم که متوجه واقعیت و حجت بحران اقتصادی شده اند، به چاره جویی افتاده و سیاست اقتصادی جدیدی را به نام "طرح نوین اقتصاد" پیش کشیده اند. اخیراً عده ای از وزرا و مسئولین رژیم جمهوری اسلامی طی نشستی تلاش کردند "طرح نوین" را توجیه کنند. در این نشست، سرحدی زاده وزیر کار و امور اجتماعی اهداف مهم این طرح را بر شمرده که می توان آن را در سه محور زیر برجسته کرد:

- "تا مبنی کلیه نیازهای جنگی با استفاده از حداکثر امکانات داخلی بعنوان مهمترین هدف طرح - تا مبنی حداقل نیازهای معیشتی جامعه - تبدیل لگوی مصرف (روزنامه جمهوری اسلامی آذرماه ۱۳۶۵).
- طبق اظهارات سرحدی زاده، کارگاه های بزرگ و شدیداً وابسته جمهوری را با افتاد چرخ تولیدشان سالانه به ۷ میلیارد دلار ارزشیادارند. سهم صنایع سنگین از این رقم حدود ۲ میلیارد دلار است. بدگفته وزیر صنایع سنگین به جای این مبلغ در سال گذشته، فقط ۹۰۰ میلیون دلار و تا آذرماه سال تنها ۳۰۰ میلیون دلار نصیب این بخش از صنعت گردیده است. صنایع دیگر نیز همین وضع را دارند.
- سردمداران رژیم به دلیل کمبود شدید ارز و بیسود اقدامات چندجانبه ای دست زده اند.
- اولاً آنها به فکر تغییر ساختار صنعتی کشور افتاده اند.

بر طبق این برنامه، صنایعی که در خدمت جنگ قرار دارند یا بدیهه قیمت بکار خود ادا مدهند و از مورد نیازشان تا مبنی گردود از امکانات موجود جهت تدایم و گسترش کار آنها استفاده شود. بخشی از واحدهای بی کفایت را زبیرند، اما تولیدشان در خدمت جنگ قرار نمی گیرد، هر چند که مورد نیاز جامعه نیز باشد. تعطیلی می شوند. طبق بدچینی مواردی که رگسازان این واحدها تحت عناوین مختلف با خرید، باز زینتی زودرس، جابجایی نیروی کار و غیره اخراج می شوند. برای این رابطه محبوب عضو شورای مرکزی خانه کارگر اعتراف می کند که طبق آمارهای رسمی، تنها از صنایع سنگین ۱۰ هزار کارگر اخراج شده اند. سرحدی زاده نیز در تکمیل "ساختار صنعتی" از اخراج حدود ۱۵۰ هزار نفر کارگر صحبت می کند. واقعیت این است که با طرح جدیدی خواهند صدها هزار کارگر دیگر را نیز اخراج نمایند. تعطیل شدن کارخانه مزدا نمونه روشن این سیاست است. بخش دیگری از واحدهای صنعتی که به ارزشیادارند به بیگانه می شود، زیرا به سرمایه داران دارای ارز آزاد اچاره داده می شود، این سرمایه داران محترم که عملاً از طریق زدو بند با مقامات و خودنهادی ارژدولتی ربه چنگ می آورند، بوسیله ارزی که در اختیار دارند، مواد اولیه ضروری واحدها را خریداری و در عوض آن همه تولیدات را تحاحب می کنند، حاصل این حاشه بخشی تورمی سابقه است و این عمل طبق برآورد روزنامه اطلاعات (دهم مهرماه سال ۱۳۶۵) "با تفاوت های نرخ های فعلی ارز مداخلاتی و دولتی، تورمی بیش از ۵۰۰ درصد را به این صنایع تزریق خواهد کرد. بدین ترتیب یکی از مشخصه های اصلی این "طرح نوین اقتصادی" رژیم، ایجاد تضیقات لازم در ساختار نیروی

فراخوان اتحاد شوروی برای قطع جنگ  
در صفحه ۱۱

### علیه کشتار پیر حمانه مردم در جبهه ها بیا خیزیم!

رژیم جنایتکار خمینی با حملات تازه خود در جبهه ها - های جنگ، ایران را در موجی از آتش و خون غرق کرده ساخته است. این حملات با بیسابقه ترین کشتار مردم دوشور همرا ه شده است. دهها هزار تن در جریان این حملات قربانی شده اند و بیسابقه رکشته شدگان هر روز و هر ساعت اضافه می شود. همزمان با حملات جنایتکارانه تازه خمینی و در پی آن، "جنگ شهرها" نیز مجسدا اوج گرفته است. صدام که شب و روز شهرهای مختلف ایران را بمباران می کند، تهدید کرده است که در صورت ادا مسه حملات جمهوری اسلامی، تمام شهرهای ایران را موشک باران خواهد کرد. هم اکنون نیز مردم زخمکش ایران در زیر آتش مدا م هواپیما های صدام گروه گسوده میوزند و کشته می شوند، بیما رستان ها، موسسات اقتصادی، مدارس و ادارات و مراکزهای بیشتری به تلی از خاک بدل می شوند. سران رژیم بمباران های وحشیانه صدام را با موشک باران شهرها و با کشتن شهروندان عراق باخ می دهند. مسابقه جنایت خمینی و صدام به وحشیانه ترین شکلی ادا مدهند. جبهه ها و شهرهای دوشور در نتیجه این مسابقه جنایت در خون

### گزارشی از فاجعه بمباران اهواز

### در آتش جنگ اهریمنان

یکی از روزهای اواسط آذرماه بود که هوا پیمایان رژیم جنایتکار صدام ۵۲ نقطه از اهواز را بمباران کردند. مناطق مسکونی که جنب مراکز اقتصادی بودند در این بمباران ها به کلی ویران شدند. خانه های نزدیک به تقییه آب، میدان با فروشها، چهارراه آبادان، بیل معلق و اطراف آن از جمله این مناطق بود.

خبرهایی که از "بهشت آباد" می رسید، حاکی از کشتار حداقل ۱۰۰۰ نفر بود. روزهای بعد این رقم با زهم رویه فزونی گذاشت. مقابله در ورودی بیمارستانها، لیستی بلندبالا از اسامی زخمی شده ها نصب شده بود. مردم هراسان و وحشت زده، دنبال افراد شناوده شان در میان کشته ها و زخمی های می گشتند. بسیاری از جسد ها قابل شناسایی نبود، چرا که بکلی سوخته بودند. بسیاری در زیر خوارها آوار مدفون شده بودند.

یک ربع پس از بمباران، در جبهه راه آبادان، سزدن حامله ای را دیدیم که با ترکش بمب به نیم شده بود و فرزندش - که هیچگاه چشم به جهان نگشود - نیمه جان دست و پایی آخر را میزد. در خیابان صبر آباد، تعداد زیادی دست و پاهای از تن جدا شده، جابه جابه چشم می خورد. درون یک ماشین، چند جسد که دستهاشان از ماشین بیرون آمده بود، آرام به خواب مرگ فرو رفته بودند. اتوبوسی که به کلی سوخته بود، تعداد کثیری مسافر زغال شده را در خود جای داده بود. کوچولوی نیمه جانی در وسط خیابان افتاده بود که گویا از ترس پایه فرسار

بقیه در صفحه ۳

### در این شماره

- ★ حق بیمه کارگران صرف چه می شود ..... در صفحه ۴
- ★ درباره طرح "واگذاری اراضی کشت موقت" ..... در صفحه ۱۰
- ★ در جنب جبهه ها ..... در صفحه ۹
- ★ افغانستان در راه مصالح ملی ..... در صفحه ۱۱
- ★ همبستگی جهانی در دفاع از صلح و زندانیان سیاسی ایران ..... در صفحه ۲
- ★ آرمان جنبش ۲۰ ری بنیان جاوید است ..... در صفحه ۱۲

تحلیل هیأت سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
درباره اوضاع سیاسی کشور و مهمترین وظایف مبارزه در راه سرنگونی رژیم  
در صفحه ۵

ویرانی فرورفته اند. سبب این همه کشتار خمینی جنایتکار است که با ردهرگونه پیشنها دملح و هوسر کوشی در راه آن همچنان جنگ را ادا مده می دهد تا شا بدین بست جنگ را بشکند. رژیم خمینی با تبلیغات جنگی جنون آمیز و بسا دست زدن به حملات بی باکی می کوشد کشتارهای گسترده و تلاکت ناشی از این حملات را در هیا هوی دروغین "پیروزی" بنهان سازد و میدوای پیروزی نظامی بر عراق را زنده نگه دارد. سران رژیم بدینجا ست که از "حمله نهایی" و "پیروزی قریب الوقوع" سخن می گویند. آنها حتی امسال را سال پیروزی "ناچهارده" اند و مدتها ست که برای یک تهاجم بزرگ و خونین آماده می شوند. اگر این جنگ ادا مده یا بد، کشتارهای بزرگتر و خونین تر در پیش است. این جنگ پیروزی ندارد. نه! امسال سال پیروزی بقیه در صفحه ۳

### زیر شکنجه در خیمنان

### فدایی قهرمان مسعود ناصر حجتی شهید شد

رفیق مسعود ناصر حجتی، فدائی پرشور و مبارز که بین ۱۳۴۵ تا ۱۳۶۵ با و درفش گز مده های رژیم بوده شد، رسد. فدایی خلق، مسعود ناصر حجتی در سال ۱۳۴۶ در رودسر متولد شد. از سالهای نوجوانی با منشا هده محرومیت و ستمی که بر مردم زخمکش اعمال می شد، به راه مبارزه برای آزادی و استقلال میبشش پای گذاشت. همانند بسیاری از جوانان هم نسل خویش برای تحقق آرمان و الابه صفوف فدائیان خلق پیوست. فعالیت تشکیلاتی را همراه با تعمسدها از رفاقیش در ادا شکده تربیت معلم تهران و در یک گروه هوا دار سازمان آغاز کرد. سال ۱۳۵۵ در ادا هاش بقیه در صفحه ۲

### پیروزی اعتصاب غذای زندانیان سیاسی

اعتصاب غذای ۲۴ روزه زندانیان سیاسی با موفقیت پایان یافت. اعتصاب در ششمه اول آبان ماه به دنبال انتقال ۵۰ تن از زندانیان سیاسی بند ۳ زندان اوین از بند عمومی به سلول های انفرادی آغاز شد. در خیمنان رژیم خمینی برای درهم شکستن این اعتصاب قهرمانانه، به انواع فشارها متوسسل گردیدند. با این همه تنها موفق به شکستن اعتصاب نشدند. بلکه دامنه اعتصاب فراگیر تر شد. همزمان با شروع اعتصاب در سلول های انفرادی، تشنج و اعتراض در بند نیز بالا گرفت. مزدوری به نام حاجی رضایی که سرپرست بند ۳ بود، برای تشدید فشار علیه زندانیان مبارز و جدتن از توا بین را به این بند منتقل کرد. زندانیان سیاسی در اعتراض به این حرکت تحریک آمیز، جیره غذایی زندان را تحریم کردند. مسئولین زندان در ادا تمسقیات خود علیه زندانیان سیاسی عده ای مزدور را به نام "زندانها" در بدرون بندگسپل کرده و سه سرسورج زندانیان سیاسی برداختند. بقیه در صفحه ۲

### هتداری دیگر درباره سازمان مجاهدین

در صفحه ۳

پیروزی انقلاب غذا ... بقیه از صفحه اول

اما با وجود این فشارها، با اعتقاد بر اینست که پیروزی انقلاب بجز از طریق مبارزه با رژیم پهلوی و ایجاد حکومتی است که بتواند عدالت را برقرار کند...

از سید بهرستنت شناختن حقوق آنها بیستانه زندانی سیاسی قطع توهمین و اهانت به زندانیان سیاسی از سوی ما مورین.

قبول کتاب از خانواده ها روز ۱۲۵۵ بان بهین از آنکه زندانیان سیاسی خیر

اعتصاب خویبر، در جریان ملاقات به خانوادهاه ایشان اعلام کردند، مورد ضرب و شتم و شکنجه شدند. ایشان مزدور و فاجر، رزق خندان، متعصب و غیره، زندان گهر دشت را نیز تفریق کردند. گه به دنبال آن زندانیان به بیانه خورایی شلفن های ا تا ق ملاقات، به مسدود

ه از ملاقاتها را ممنوع کردند. از زمین زرمین، از سالگامی در به شکست کشاندن اعتصاب، در بیست و چهارمین روز اعتصاب غذا، زندانیان، اعتصابی را به بیخ و بن رساندند. منتقل کرده آنها را به حبس تفریق سزوم قرار دادند. خانوادهاه زندانیان سیاسی به مجرد اطلاع از اعتصاب در محاسبات از زندان، از خنجران خود میبارزه همه جا به ای را آغاز کردند. آنها با جملات مکرر در مقابل زندان های

وین و گوهر دشت، مراجعه به مسئولین، تجمع در مقابل مجلس، مراجعه به دفتر ملیت سرخ جهان در تهران، توضیح مبارزات زندانیان برای مردم و افشاگری علیه رژیم، همه ویژگی های در موفقیت اعتصاب بودند. اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به سرکست

استقامت دلیریانه و حماسی انقلابیون اسیر، مبارزات بیگانه ها خوانده های زندانیان سیاسی و اقدامات افشاکرانه علیه نیروهای انقلابی در داخل و خارج

کشور به پیروزی رسید. در خمین جمهوری اسلامی جمهوری به عقبت نشینی هدهه رژیم مجبور شد به برخی از خواستهای زندانیان سیاسی گردانند. حاجی رفایی سرپرست بند هین گنار شد. شوا بین و نیز عناصری گسه توسط زندانیان به عنوان "زندانی مادی به منظور

شده پیشتر به اوین آورده شده بودند. خارج شدنی، جدا دی، از زندانیان که به سولول های انفسرادی فرستاده شده بود و در پی های عمومی برگردانده شدند. زندانیان سیاسی برخی اقدامات در نحوه

تأمین حاجت های بعضی خود دست آوردند و کیفیت بسیار را از زندانیان زندان نیز تا حدی بهبود یافت. زندانیان سیاسی یابری این اعتصاب را دلیریانه در تلاش حفظ و گسترش دستاوردهای خود هستند. اما رژیم جنایتکار خمینی نیز متوجه شد پس از این عقب نشینی ناخواسته، به تفرقه جدید دست زد.

اوسرای اشتقاقی از زندانیان قهرمان خلقی فخریتا زه تری از تدارک می بینند. اعتصاب غذای دلیرانه زندانیان سیاسی و مقاومت حماسی آنها در برابر تریکی از پلیسی ترین و هارترین

رژیم های ارتجاعی، با زتاب گسترده ای در جامعه ما و نیز از فعال تر شیخواری هجان یافت. اعضای هواداران سازمان، در پاسخ به فراخوان کمیته مرکزی سازمان برای گسترش کارزار همبستگی با اعتصاب غذای زندانیان سیاسی به فعالیت های وسیعی در داخل و خارج کشور دست زدند.

رزمندگان فدائی اعلامیه های منتشره از سوی رهبری سازمان را در سطوح مختلف پخش کردند و برخی از واحدهای سازمانی با انتشار تراکت های سیاسی شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" و اعلامیه های تحت عنوان: "جان زندانیان سیاسی شدت در خطر است" و "بازی نجات جان زندانیان سیاسی بیایید

هم میهنان آزاده و مبارزان را به دفاع و حمایت فعال از این اعتصاب فرا خواندند و اخبار و اطلاعات مربوط به اعتصاب و مقاومت زندانیان سیاسی را به گشود مردم رساندند. خانوادهاه های فدائیان زندانی همسراه با دیگر خانوادهاه زندانیان اعتصابی نقش مهمی در جلب همبستگی با زندانیان سیاسی داشتند.

اعضای هواداران سازمان در خارج از کشور نیز با تمام قوا به فعالیت تبلیغی برای جلب حمایت افکار عمومی جهانیان به دفاع از زندانیان سیاسی ایران پرداختند. در شهرهای مختلف آلمان فدرال فدائیان خلق، نظارات ایستاده و تجمعات در مراکز شهر را با همکاری نیروهای ترقیخواه آلمان و انقلابیون کشورهای دیگر سازماندهی کردند. این نظارات همسراه علیه رژیم تصدیقات پلیس آلمان، با حمایت وسیع مردم و روبرو شدند. در چندین امریکا اعتصاب غذای چهارروزه ای توسط فدائیان خلق، در حمایت و همبستگی با زندانیان سیاسی اعتصابی ایران صورت گرفت. انقلابیون بسیاری از کشورهای جهان با شرکت در این اعتصاب غذا، با زندانیان سیاسی ایران اعلام همبستگی کردند. برخی از شبکه های تلویزیونی سراسری

وربا نه های گروهی دیگر اخبار این اعتصاب را وسیعاً منعکس کردند. در داخل کشور، فدائیان خلق به یک اعتصاب غذای سه روزه در میدان مرکزی شهر کیشیاک و نیز به یک اعتصاب در ایستگاه مرکزی بزرگ همران با گروهی از مردم نامرک و نیروهای مترقی و ایرانیان مهاجر به وسیله سفارت جمهوری اسلامی دست زدند.

در میدان اطلسی شهر استکهلم، اعتصاب غذای کسترده ای توسط فدائیان خلق در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران سازماندهی شد. کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در هندوستان نیز فراخوانی را خطاب به مردم احزاب و شخصیت های ترقیخواه هند منتشر کرد و آنان را به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران فراخواند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت) را دیگر هم میهنان شریف و آزاده و همه نیروهای ترقیخواه و یوزهاه اعضا هواداران سازمان را فرا میخواندند که جنبش دفاع از زندانیان سیاسی را گسترش دهند و برای حفظ جان زندانیانی که در اعتصاب غذا شرکت داشتند و برای حفظ دستاوردهای مبارزه آنان و راهی همه زندانیان سیاسی، فشار علیه رژیم را تشدید کنند.

در داخل کشور، فدائیان خلق به یک اعتصاب غذای سه روزه در میدان مرکزی شهر کیشیاک و نیز به یک اعتصاب در ایستگاه مرکزی بزرگ همران با گروهی از مردم نامرک و نیروهای مترقی و ایرانیان مهاجر به وسیله سفارت جمهوری اسلامی دست زدند.

در میدان اطلسی شهر استکهلم، اعتصاب غذای کسترده ای توسط فدائیان خلق در حمایت از اعتصاب غذای زندانیان سیاسی ایران سازماندهی شد. کمیته دفاع از زندانیان سیاسی ایران در هندوستان نیز فراخوانی را خطاب به مردم احزاب و شخصیت های ترقیخواه هند منتشر کرد و آنان را به دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران فراخواند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبریت) را دیگر هم میهنان شریف و آزاده و همه نیروهای ترقیخواه و یوزهاه اعضا هواداران سازمان را فرا میخواندند که جنبش دفاع از زندانیان سیاسی را گسترش دهند و برای حفظ جان زندانیانی که در اعتصاب غذا شرکت داشتند و برای حفظ دستاوردهای مبارزه آنان و راهی همه زندانیان سیاسی، فشار علیه رژیم را تشدید کنند.

در داخل کشور، فدائیان خلق به یک اعتصاب غذای سه روزه در میدان مرکزی شهر کیشیاک و نیز به یک اعتصاب در ایستگاه مرکزی بزرگ همران با گروهی از مردم نامرک و نیروهای مترقی و ایرانیان مهاجر به وسیله سفارت جمهوری اسلامی دست زدند.

طرح فلاکت ... بقیه از صفحه اول

صمیمی کشور برای تأمین نیازهای جنگ و تا مدتی متوقف سرمایه داران غارتگر در شرایط افت شدید درآمدی می باشد.

تأیید برای رژیم به کرا استفاده از سیستم خرید مواد اولیه و قطعات از آنجا را تا امیریا لیستی و میان آنها در داخل کشور صدور کالاها می توانسته به همان اندازه ای که تا زمان استفاده از سیستم های یک سیستم به شخص دیگر گرا رست این سیستم را می توان در پیرو ما شن رونق گرفت. وزیر صنایع سنگین می گوید که دیگر کسی از ما چنین رونق نمی کند. چون این قطعات این ماشین را وارد کرده و پس از مونتاژ مادری کنند. رژیم با اینگونه اقدامات از یک سو پول کلانی به جیب شرکت های فراتر ملیتی می ریزد و قطعات مورد نیاز را تا مین کند و از سوی دیگر از حاصل آن فروش تولیدات را به جیب سوداگران بین المللی اسلحه سازی می کند.

تا لنگه سران رژیم، می خواهند که صادرات کشور را گسترش دهند. نگاه گذرا به میزان صادرات غیر نفتی کشور و وضع اسفبار آن، شکست این راه حل را از بین به وضوح نشان می دهد. مطابق سالنامه گمرک ایران صادرات غیر نفتی در سال های ۱۳۶۱ و ۱۳۶۲ به مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال که معادل ۲/۵ درصد صادرات است، رسید. در سال جاری تلاش زیادی از جانب رژیم صورت گرفت تا صادرات کشور افزایش یابد. در حالی که روز بروز تولیدات کشور کاهش می یابد، رژیم عدم مردمی کدام محصولات را می خواهد داد کند؟ سران رژیم بسیاری افزایش ما را به مدور کالاهای گران به مصرف داخلی می رسد، دست زده اند. آنان از دولتمه ای که هنوز زحمتکشان می توانند در آن زن و بچه خود بگذرانند،

کنی را گرفتار و صادری کنند تا از زلزل برای ادامه جنگ ویرانگر تا مین کنند. این امر در شرایطی صورت می گیرد که رگدیر با آزاد خلی کار می بوده و مردم قادر به تأمین حداقل نیازهای خود نیستند. یکی دیگر از اهداف این طرح، مطابق، حذف سوسید به زبانه زحمتکشان است. مطابق این طرح سوسید جز در مورد گندم و احتمالاً گوشت حذف می شود. بیامدهای این سیاست گرانتر شدن سرما و اورلیتیا و قند، سکر و دیگر مواد غذایی و بیاحتاج اطمی مردم خواهد بود. که تاکنون با پرداخت سوسید، قیمت آنها تا حدودی کنترل می شد. وزیر کشاورزی ادعا می کند که هدف از این اقدام تشریح تولید داخلی است. اما این اقدام، کشاورزی ایران را که با وارداتی سابقه محصولات کشاورزی ویران شده است، ویران می کند. چرا که با حذف سوسید، کلیه ما بیاحتاج عمومی کمتر و در اثر آن هزینه زندگی تولیدکننده بالا رفته و قیمت کالاهای تولید داخلی با زهم افزایش شدید خواهد شد. این اقدام رژیم مثل همه اقدامات آن، به در جهت تأمین نیازهای مردم، بلکه به فلاکت کشاندن بیش از پیش زندگی آنان است. وزیر کشاورزی در مقابل این سوال که بی وضع کارمندان و طبقات کم درآمد چه خواهد شد، با بی مانه می گوید: "مشکل کارمندان و طبقات کم درآمد در جایی دیگر باید بدل شود."

طبق این طرح، واردات مواد غذایی ای کاهش می یابد و در همان حال چون هیچگونه زمینه افزایش تولید داخلی فراهم نگردیده، خود بخود ضرورت جیره بندی مواد مورد احتیاج، روزمره مردم بیشتر شده و تا مین حد قابل آن نیز با مشکلات با زهم بیشتر روبرو می شود. نتیجه آن نیز چیزی جز کمبود شدید کالا، گسترش احتکار و بازاسیاه و سودجویی هر چه بیشتر تعدادی سرمایه دار و زمیندار نخواهد بود. خرید و فروش کوی های ارتجاعی عمومی که امروز تبدیل به یک بازار ویرانگر شده

استه خواستگاه نگر فروروز افزون توده های زحمتکش میهن ما است که مجبورند با فروش چند کوبن خود، امکان خرید اجناس ضروری را فراهم سازند. وضع کنونی ما مورد ستی از مردم ووخا مت بیشتر آن در آینده همان چیزی است که سران تیمکار رژیم به آن عنوان "تأمین حداقل معیشت جامعه" داده اند. علاوه بر آن، سران رژیم قصد دارند مردم را از تأمین نیازهای خود محروم کنند.

این سیاست معیشتی همان چیزی است که بعنوان "تغییر الگوی مصرف مطرح شده است. اما همان سیاست به سایر کالاهای مورد نیاز مردم نیز کشیده خواهد شد. این امر چیزی جز زحمتکش به عقب و به قرون وسطی نخواهد بود. همان دنیایی که آوندها برای بازگرداندن ایران به آن این هم خون می ریزند.

با بیسیردین طرح، اقتصاد کشور بطور بارز میلیتاریزه خواهد شد. "ساختار صنعتی" در جهت نظامی شدن، تغییر اساسی خواهد کرد و بحران سرمایه داری وابسته را عمیق تر و پدیدار خواهد نمود. بیاید این طرح و اهداف ارتجاعی آن به وسعت افتاد شود و کارگران و زحمتکشان علیه خرابی آن، علیه جنگ و رژیم بسیج شوند.

اجرای این طرح با زتاب گسترده اجتماعی می خواهد داشت و انگیزه نیرومندی در کارگران و زحمتکشان برای مبارزه علیه رژیم پدید خواهد آورد. باید به کارگران و زحمتکشان نشان داد که رژیم با اجرای این طرح، میهن ما را بیش از پیش به فلاکت خواهد هدکشان زندگی با زهم بیشتر. با تری رابسر توده های مردم تحصیل خواهد کرد. باید علیه اجرای این طرح فلاکت بار، علیه جنگ و رژیم جنگ انرور خمینی بیاخته.

فدائی قهرمان ... بقیه از صفحه اول

سازماندهی گروهی از جوانان فدایی را تحت پوشش یک گروه کوهنوردی به عهده گرفت. این گروه با تکثیر و پخش اعلامیه های سازمان و مشاورت فعال در مبارزات توده های ایلیا خاسته، نشان از زنده ای در روزهای انقلاب، در ورود سرداشته رفیق مسعودی از انقلاب نیز مسئولیت کمیته شهروند سرابه عهده گرفت.

در سال ۶۷ در شعبه آموزش کمیته ایالتی گیلان عضویت داشته در جریان آموزش رژیم به کمیته های ایران در بهار ۶۷ رفیق مسعودی موریت یافت تا تشکیلات فدائیان در ورود سرابه برای ادامه فعالیت در شرایط سرکوب و حشیانه پلیسی تجدید سازماندهی کند. پس از پایان موفقانه این مسئولیت به تهران منتقل شد و مدتها در مراکز رگری در تهران و گرج فعالیت انقلابی مخفی داشت. رفیق مسعودی که در دوران سالها مبارزه در شرایط گوناگون، به کادری ورزیده و آشنا به فنون مبارزه با پلیس تبدیل شده بود، خدمات ارزنده ای را در این دوران دشوار مبارزه، برای تشکیلات سازمان انقلابی انجام داد.

رفیق مسعودی در جریان یکی از پیگیریهای پلیس در تابستان ۶۷ اصال در ترو تعقیب و مراقبت سزا واک خمینی افتاد. اما به سرعت به جریان تعقیب پی برد و با نفیاد تا نوست از گسترش آسیب به دیگر اعضای تشکیلات تحت مسئولیتش جلوگیری نماید و تمامی ارتباطاتش را سالم نگاهدارد. دشمن که از ردیابی دشمنان سازمان از طریق او ناامید شده بود، سرانجام دستگیرش کرد و به زیر حوای تریترین شکنجه ها کشاند. مسعود، بیش از ۴ ماه تمام در این شکنجه گران اوین که نتوانستند کوچکترین اطلاعاتی از رفیق دلواره دست آورند، سرانجام با حفظ زبونی، در مقابل استواریش زانوی عجز بر زمین مسند زنده و کینه توزانه شهیدش کردند. بدن بیجان او وقتی که به خانواده اش تحویل داده شد، تکه تکه بود و حتی یک جای سالم هم روی آن دیده نمی شد.

زندگی کوتاه اما پرافتخار رفیق شهید مسعود تا مرگش، زجر چنگال گراهای خمینی به پایان رسید. اما میراث انقلابی که او برای گذاشته است، جاودانه خواهد ماند. رفیق شهید ما در قلب مردم میهنش، در تاریخ مبارزه حق طلبانه خلق زحمتکش زنده می ماند. رفقای مسعود، فدائیان زنده ای که هم تنگ در شهرها و روستاهای ایران سرخسند و هم تسلیم ناپذیر به مبارزه با رژیم ارتجاع مشولند، اندوه زیست دادن این رفیق فدای کار را در زمیندار به شوری عمیق در جایش خویشتن برای تشدید مبارزات انقلابی در راه صلح و آزادی و نابودی رژیم جنایتکار خمینی، تبدیل می کنند. قاطب میهن، او دشمنان خلق، تا بودخوا هستند. میهنش آباد، کارگران و زحمتکشان که او جانش را در راه خوشبختی آنها گذارد، آزاد و آمان بزرگ او پیروز خواهند شد.

باید جاودان و راهش پررهورود!

استه خواستگاه نگر فروروز افزون توده های زحمتکش میهن ما است که مجبورند با فروش چند کوبن خود، امکان خرید اجناس ضروری را فراهم سازند. وضع کنونی ما مورد ستی از مردم ووخا مت بیشتر آن در آینده همان چیزی است که سران تیمکار رژیم به آن عنوان "تأمین حداقل معیشت جامعه" داده اند. علاوه بر آن، سران رژیم قصد دارند مردم را از تأمین نیازهای خود محروم کنند.

این سیاست معیشتی همان چیزی است که بعنوان "تغییر الگوی مصرف مطرح شده است. اما همان سیاست به سایر کالاهای مورد نیاز مردم نیز کشیده خواهد شد. این امر چیزی جز زحمتکش به عقب و به قرون وسطی نخواهد بود. همان دنیایی که آوندها برای بازگرداندن ایران به آن این هم خون می ریزند.

با بیسیردین طرح، اقتصاد کشور بطور بارز میلیتاریزه خواهد شد. "ساختار صنعتی" در جهت نظامی شدن، تغییر اساسی خواهد کرد و بحران سرمایه داری وابسته را عمیق تر و پدیدار خواهد نمود. بیاید این طرح و اهداف ارتجاعی آن به وسعت افتاد شود و کارگران و زحمتکشان علیه خرابی آن، علیه جنگ و رژیم بسیج شوند.

اجرای این طرح با زتاب گسترده اجتماعی می خواهد داشت و انگیزه نیرومندی در کارگران و زحمتکشان برای مبارزه علیه رژیم پدید خواهد آورد. باید به کارگران و زحمتکشان نشان داد که رژیم با اجرای این طرح، میهن ما را بیش از پیش به فلاکت خواهد هدکشان زندگی با زهم بیشتر. با تری رابسر توده های مردم تحصیل خواهد کرد. باید علیه اجرای این طرح فلاکت بار، علیه جنگ و رژیم جنگ انرور خمینی بیاخته.

باید جاودان و راهش پررهورود!



### هداری دیگر درباره سازمان مجاهدین

اخیرا کنفرانس‌هایی توسط برخی از رهبران مجاهدین در چند کشور اروپایی برگزار گردید. یکی از موضوعات مهم مطرح شده در آن ویکی از سؤالات اساسی شرکت کنندگان، مسئله آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی مترقی و پایبندی و رعایت سیاست آن توسط سازمان مجاهدین و در "جمهوری دموکراتیک اسلامی پیشین" آن بود.

این واقعه که چندین سؤال لاتی درباره بررهبران مجاهدین گذاشته می‌شود، امری کاملاً طبیعی است. چرا که اولاً سؤال کنندگان عملگردهایی سازمان مجاهدین را با دیدش رودارنده چگونه هر منتقدترقی خواهی را با لاف‌های و بی مسئولیتی تمام، متحسد و ارتجاع جا می‌زنند تا از پاسخ گویی به آنها طفره رود و انتقادهای اصولی آنان را در سایه قرار دهد. ثانیاً - "جمهوری دموکراتیک اسلامی" پیشین، "پیشین" آن مجاهدین، بهر حال یک رژیم مذهبی است. سؤال کنندگان جنابان رژیم مذهبی کنونی را پیش روی خود قرار دادند و می‌پرسیدند چگونه این رژیم مذهبی که سیاست را از دیگر رژیم‌های سرکوبگر و ارتجاعی ربوده است، پاسخ‌هایی که توسط برخی از رهبران سازمان مجاهدین به این سؤالات در کنفرانس‌ها داده شده برای تمام سازمان‌های سیاسی مترقی ایران بسپارند. هژدهنده است. آقای حسین مهدوی عضو هیئت اجرائیه سازمان مجاهدین در کنفرانس کیه در ۲۳ ژانویه در هتل هیلتون پاریس تشکیل گردید، در مورد دموکراسی گفت که وقتی ما مجاهدین به قدرت برسند "نوشیدن و می‌نوشند" آزادی است اما سازمان‌های بیروسوسیالیسم علمی بویژه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) و حزب توده ایران، اجازه فعالیت نخواهند یافت. محسن رفایی نیز در کنفرانس استکهلم در ۱۸ ژانویه همین پاسخ‌ها را داده بود. آقای رفایی گفته بود که در "جمهوری دموکراتیک اسلامی" وجود سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) و حزب توده ایران نیازی نیست، او اضافه نموده بود: "که در حکومت مجاهدین سازمان فدائیان خلق ایران (اکتوبر) و حزب توده ایران نیازی به وجود ندارد. در کردستان ایران سازمان چریک‌های فدائی خلق و... جایی ندارند، اینها هم عده‌ها بودند که در جمهوری اسلامی مجاهدین "پوش و نوش" آزادخواهد

بود. برای کارگران و زحمتکشان یعنی اکثریت مردم مین ما است.

تا آنجا که به مبارزه فدائیان خلق برای تأمین دموکراسی مربوط می‌شود، باید آقای مهدوی و آقای رفایی خوب بخاطر بیسیار بداند که فدائیان، دموکراسی را با مبارزه پیگیر و فداکارانه خود و با اتکا به نیروی بسیج شده کارگران و زحمتکشان می‌گیرند. توده‌های میلیونی زحمتکشان و طبقه کارگر روزمندان بی‌بند و آسایش، مشروعیت مبارزه خود را تا به خود خواست و اراده‌ها با آن نیروی سیاسی نگرده اند و نمی‌کنند. هر نیرویی نیز که چنین مشروعیتی را زیر سؤال برد قبلاً از هر چیز خود را زیر سؤال برده است. آزادی ممنوعیت فعالیت سیاسی سازمان‌های کمونیستی، که این فعالیت‌ها را در سر می‌پرورانند جز آزادی را می‌خواهند. هر کسی در حق طلبانه مردم و تحصیل یک استبداد مذهبی دیگری به مین ما معنی می‌نماید.

این هژدها رست به همه مجاهدین مسئول که جلوی گسترش این تمایلات ضد کمونیستی و ضد دموکراسی را بگیرند. این هژدها رست جدی و مهم مردم که با چشم‌های باز به آینده مین ما بنگرند.

اعلام چنین مواضعی از سوی این آقایان به راستی ما به ناسف ما است. حتی خمینی نیز در جریان انقلاب جرات نکرد علیه آزادی فعالیت کمونیست‌ها چنین گزاره‌هایی بگوید.

در شرایطی که مین ما از جنگ ویرانگر و استبداد خشن مذهبی آخورنده ویران و تپنده می‌شود، در شرایطی که رژیم برای ادامه جنگ و تحقق اهداف خود در آن، به زد و بند بین‌دینی با شیطان بزرگ، امیرالایم آمریکا، رومی‌ورد، در شرایطی که مبارزه مردم علیه رژیم گسترش روز افزون می‌یابد، آنستاد نیروهای آزادخواه و مترقی ایران، علیه جنگ و رژیم خمینی هر روز می‌بازند. هر چه بیشتر می‌گذرد سازمان‌های مترقی در برابر شیخ صریح به این نیا می‌بازند. جنبش با مسئولیت بیشتری را بر سر دوش خود می‌اندازد. رهبری سازمان مجاهدین با بداند از انحلال رطلبی سیاسی و از تفرقه افکنی و ادامه اتحاد شکنی دست بردارد و بجای تشدید حملات علیه نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشورهای دیگر برای باطل کردن کمونیست‌های ایران که شمر جزا نفراد سازمان مجاهدین در جنبش دمکراتیک ایران ندارد، ضرورت اتحاد با نیروهای مترقی کشور را ببیند و در این حقیقت تردید نکند که پاسخ به این ضرورت، سرکوتی رژیم جمهوری اسلامی را نزدیک ترخواهد کرد.

آزادی فعالیت احزاب و سازمان‌های سیاسی و آزادی فعالیت توده‌ها برای تحقق خواست‌های صنفی و سیاسی شان از اساسی ترین و مهم ترین شعارها و مطالبات توده‌های مردم همه نیروهای مترقی مین ما است. این نیاز از محرک‌های اصلی مبارزه نیروهای دموکراتیک کشور برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی است. طبقه کارگر و کمونیست‌های ایران باید پیگیرترین مبارزان را آزادی اند، به طریق اولی برای شعار تکمیل آزادی اند.

سازمان مجاهدین خلق نیز با وجود آنکه مدت‌هاست شعار عدالت اجتماعی و مبارزه فدا میریالیستی را به کناری نهاده، تا این زمان هنوز رسماً بر سر شعار آزادی تکمیل کرده است. آنچه که این آقایان می‌گویند حتی با آنچه که سازمان مجاهدین تا کنون رسماً پذیرفته است نیز متفاوت است. مواضع رفایی مهدوی واقعاً ملامت‌آمیز است و نشان می‌دهد که راست روی چه شرات انحطاط آمیزی به بار می‌آورد و در سر نوشت این سازمان را چه خطرات مهلکی تهدید می‌کند. اعلام صریح چنین مواضعی توسط برخی از رهبران سازمان مجاهدین بیچ وجه تصادفی نیست. عدول رهبری سازمان مجاهدین از مواضع دموکراتیک بنیادگذاران آن و از راه راست روی آن طی سال‌های اخیر و حملات گسترده علیه نیروهای مترقی و انقلابی کشور، شرایط مناسبی را برای توسعه و تقویت مواضع ضد کمونیستی و ضد دموکراتیک در این سازمان فراهم آورده است. وقتی که رهبری سازمان مجاهدین و نمایان این سازمان رسماً نیروهای مترقی از انقلابی ایران را به دلیل انتقادات اصولی از رهبری مجاهدین به "پس دادن حساب" در دادگاه‌ها و به "تلاش آوردن" انتقاداً از تهدید می‌کنند و عملاً علیه همه آنها تبلیغات هیستریک بر راه می‌اندازد و اعضا و هواداران خود را به روحیه همگامی و تقاضای دیگر نیروهای مترقی در مبارزه علیه رژیم تنبیکار خمینی، بلکه با روحیه خودت علیه آنان می‌رساند. می‌دهند. ظهور چنین مواضعی بیچ وجه غیرمنتظره نیست. اگر این موضع‌گیری‌های غیر مسئولانه و بی‌شمار ضد دموکراتیک ادامه یابد، به پایبندی سازمان مجاهدین به آن حداقل آزادی مطرح در برنامهم "سورای ملی مقاومت" را جدی تر از گذشته زیر سؤال خواهد کرد. دموکراسی بدون آزادی فعالیت سازمان‌های کمونیستی و مترقی و بدون آزادی فعالیت توده‌ها برای تحقق خواست‌های سیاسی و صنفی و شکل‌شان، یک دموکراسی توخالی و یک اختناق و استبداد واقعی

### علیه کشتار بیرحمانه مردم ... بقیه از صفحه اول

خمینی بر عراق است و نه سال دیگر، فدائیان خلق این حقیقت را با رها به مردم گفته اند و با زهم می‌گویند. جنگ جز کشتار و ویرانی و ویرانی و فقر و فلاکت نبره ای ندارد. هر پیروزی رژیم نیز جز تشدید این درد و رنج و بدبختی نیست. اما ما بین جنگ تنها با امیرالایم آمریکا، رژیم خمینی و سرما به‌دانه را جنگ، طلب است. امیرالایم آمریکا و رژیم خمینی، چون به پیچیده بهانه‌ها در منطقه را متوجه می‌یابند، نیروهای تجار و کثرت را برای بدلت در سرور و پادشاهی منطقه کیسلس می‌دارند و میلیاردها دلار سود ناشی از فروش اسلحه را به جیب می‌زنند. رژیم خمینی از این جنگ سود می‌برد چون به بهانه آن هر نا را با بی‌سرمه و سرکوب می‌کنند و آنرا وسیله‌هاش با امیرالایم آمریکا و جلب حمایت آن از رژیم قرار می‌دهد. سرما به‌دانه را غارتگر از این جنگ سود می‌برد، چون با استفاده از آن دست به ارتحکار و کثرت افروشی می‌زنند و سودهای سرسام‌آور می‌برند. کارگران و زحمتکشان از این جنگ تنفس ندارند، دیوین جز کشته شدن، غارت شدن و سرکوب شدن بهره‌ی دیگری از آن نمی‌گیرند.

همه زحمتکشان کشورخواهان صلح اند، اما چرا صلح به دست نمی‌آید؟ برای آنکه تنها خشم و نفرت برای متوقف ساختن جنگ کافی نیست. مبارزات برای کشته‌ها، جداگانگانه و فردی سرکوب می‌شود. تنها جنبش توده‌ای همه مردم در درجه اول طبقه کارگر علیه جنگ می‌تواند نده این بدبختی عمومی را پایان دهد. مشکل کمونیست‌ها مخالفت‌های پراکنده، افشاگریها، اعتصاب‌ها، زبردخت‌ها کم‌کم مایه‌ها، و مقابله در برابر اعزام نیروی عدم حضور در جبهه‌ها را با بدبختی‌ها دو برابر می‌کند. اعتصاب‌ها و خرابی‌ها بی‌درم می‌بخند. هر اعتراض و اعتصاب و تظاهرات علیه جنگ در شرایطی که خشم و نفرت از جنگ و خمینی در سر کثرت عمومی می‌شود در میان نیروهای مسلح موج می‌زند، آنها بخش میسارزات، اعتصابات و تظاهرات بزرگتر خواهد بود، و نه جنگ از چمنی که خمینی برای مردم ساخته و چمنی‌ها بزرگتر و وسیع‌تری که در رک می‌بیند، تنها یکی است: مبارزه هر چه مشکل تر علیه جنگ برای صلح و سرنگونی رژیم.

### گزارشی از ... بقیه از صفحه اول

گذاشته و ماشین‌هایی که سرعت فراوانی کردند از رویش رنده بودند. بهشت دبیستان نام جمهوری یک تریلی سوخته قرار داشت که در میانش فقط جمجمه راننده معلوم بود. بدن‌های تکه تکه پاره کارگر شرداری که مشغول تمیز کردن خیابان بودند، روی زمین پراکنده بود. در میدان با فروش‌ها - که همیشه شلوغ است - تکه‌های آش و لاش بدن مردم بیگناه بر دردیوار مشاهده می‌شد.

مردم با شرم و خشم دیده، فوق العاده عصبی و متشنج بودند. اکثر آنها بی‌محابا هر چه دشنام و ناسزا که در دل داشتند، بلندبلند به خمینی و آخوندها می‌دادند. در برخی مناطق شهر، مریک و برخی دیگر برای این حکومت آخوندی راه کرات می‌شدیم. زن‌ها غایب شده‌اند که هستی ان بریا فرستاده بود، بر سر می‌کوفتند و با سوزن نعره می‌کشید، "چرا بلند می‌شوید و خمینی را از میان نبر می‌دارید؟"

اینها زندگی ما را سیاه کرده‌اند. بلاقاطه پس از میزبانان، گروهی از ضربات فدا غمشا رژیم که مسلح به انواع سلاح‌ها بودند، به خیابان‌ها گسیل شدند. آنها بلاقاطه استبداد انتهای مناطق میزبانان شده را مسدود می‌کردند و به کسی اجازه ورود و خروج نمی‌دادند. تعدادی از ارادل و وابش حزب الهی مثل کثرت ریس، سر و برانه‌های شهر خراب شده بودند تا زوزه "جنگ" جنگ تا پیروزی سردهند. اما فضا چنان سنگین و می‌رمد آنچنان خشمگین بودند که جرات نکردند برآورند. قیامت روانی ناشی از میزبانان نیز وحشتناک بود. در شهرها افراد زیادی بر خورد می‌کردیم که در خیابان‌های هدف راه می‌رفتند و با خود خشمگین می‌زدند و با دست و مویشان را بره‌های غیر عادی تکان می‌دادند. ما در آن‌ها را با طنز که کوچکترین صدای بلند می‌شدند و با دست‌های تپنده به‌شان را می‌گرفتند و در یک گوشه به‌شان می‌شدند. بیچاره چه‌ها می‌کردند. این‌ها بود، گریه‌کنان که هر چه که در دستشان می‌رسید، می‌جسیدند. بیشترین تعداد تلفات ما به کشتار خمینی و صدام از میان آن‌هاست. غرض ما جیما‌ها را خراب می‌شده بود. شهر ویرانه‌ها ستونهای دودی که از خرابه‌ها پیش بلند می‌شد، رو به سباهی می‌رفت، مردم آواره به سوی بیابان‌ها روان بودند تا شب در آنجا بگذرانند، ...

### همبستگی جهانی در دفاع از

### صلح و زندانیان سیاسی ایران

نماینندگان سازمان‌های اجتماعی و سیاسی بیش از ۲۰ کشور که هفته گذشته در مین کینگره جبهه ملی بدرون جمهوری دموکراتیک افغانستان شرکت کردند، به مدورا اعلامیه مشترکی، ضمن محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی و اعلام همبستگی با زندانیان سیاسی ایران خواهان قطع فوری جنگ ایران و عراق و نجات جان زندانیان سیاسی شدند. نظریه اهمیت این اعلامیه متن آن را در زیر نقل می‌کنیم:

"ما افکار کینگره از زیر و رو شرکت کننده در مین کینگره جبهه ملی بدرون جمهوری دموکراتیک افغانستان، با توجه به این واقعیت که ما به جنگ فزاینده ایران و عراق را به همراه نتایج فاجعه آمیز آن که ابعاد وسیعتری به خود گرفته است، بسودا امیرالایم آمریکا، می‌نویسیم و ارتجاع منطقه از سیاسی می‌کنیم، بنا بر این ما اعتقاد داریم که تنش‌های فوری، به رسمیت شناختن مرزهای بین‌المللی و آغاز مذاکرات سیاسی بیگانه را حل خاتمه جنگ دست‌یابی به صلح عادلانه می‌باشد.

همچنین ما نگران جان دهها هزار زندانی سیاسی ایران، از جمله توده‌های فدا فدائیان خلق ایران (اکتوبر) و دیگر نیروهای دموکراتیک و مبارز می‌باشیم و معتقدیم که جان آنان مورد تهدید جدی مرگ قرار دارد. افکار عمومی و همبستگی جهانی را به حمایت از این زندانیان و تلاش در جهت باز دیدگی هیئت دیپلمات بین‌المللی از اسراهای قرون وسطی، جمهوری اسلامی ایران فرا می‌خوانیم."

ما، نمایندگان هیئت‌های شرکت کننده: شورای صلح و همبستگی سودان، مسئول سازمان همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا (مصر)، جبهه میهنی ویتنام، فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری قبرس، جبهه لائوس برای ساختن ملی، جبهه متحد زسازو دفاع از سرزمین مادری (کامبوج)، جبهه مردم‌سوی چکسلواکی، انجمن صلح و همبستگی خلق‌های آسیا و آفریقا (اتحاد شوروی)، کمیته صلح و همبستگی (فلسطین)، جبهه ملی بدرون افغانستان و چند جبهه و سازمان اجتماعی و سیاسی دیگر از نیکاراگوئه، جمهوری دموکراتیک یمن، سری لانکا، فنلاند، تا نژاد و چند کشور دیگر.



خدمات در طایفه‌ای که رگران و کارمندان وضعیت اسفناک و فاجعه‌آمیزی پیدا کرده‌است. کارگران از وضع نامساوی سازمان تا مین اجتماع به سوه آمده‌اند. وزارت بهداشتی، در حال حاضر یک سوم حق بیمه کارگران یعنی ۷ میلیارد تومان در سال بابت هزینه خدمات درمانی از بیمه‌شدگان اخاذی می‌کند، بدون آنکه کمترین خدمتی ارائه کند. کارگران بدون استثناء به‌این وضع معترضند و می‌پرسند: اینچنین پول که هر ماه به‌عنوان بیمه درمانی از حقوق ما کسر می‌شود صرف چه چیزی می‌شود؟

وضعیت خدمات درمانی به‌این صورت است که: اکثر بیمه‌داران رستان‌های خصوصی از پذیرش بیمه‌داران با دفترچه‌های بیمه درمانی خودداری می‌کنند. اکثر پزشکان متخصص و مجرب از پذیرش دفترچه بیمه درمانی شانه‌خالی می‌کنند. و داروهای گران‌بایه استفاده کمترین را می‌کنند. البته اکثر داروهای مورد نیاز در آنجا پیدا نمی‌شود. کارگری از کارخانه قوه‌پا پرس در پاسخ به این سؤال که: آیا بیمه هسته‌دیانه؟ اینطور پاسخ می‌دهد: "بله بیمه هسته‌ما چه بیمه‌ای. فقط پول بیمه‌ای می‌پردا زیمودر عوضی کاری برای ما صورت نمی‌گیرد. از حقوق من ماهی ۸۵۰ تومان بابت بیمه کسر می‌کنند، اما وقتی می‌خواهم از حق بیمه استفاده کنم کاری صورت نمی‌دهند. چند وقت پیش بجای احتیاج به عمل پیدا کرده‌بیمه بیمارستان شماره ۲ مراجع کردم، آنجا به‌من گفتند که ۳ سال با حداقل یکسال و نیم باید نتوی نوبت بخوابی تا نوبت عمل به‌شما برسد. مسکن نمی‌توانستم این مدت طولانی منتظر باشم. بجای آمدند تا بگردم بود. ناچار شدیم او را پیش دکتر شعیب ببریم، ۷۵۰۰ تومان گرفتند و عملش کردند. ... از این نمونه‌ها هزاران مورد وجود دارد. در اعتراف به این وضع، کارگران از کارخانه امقان در ایامی دست‌جمعی به‌مسئولین رژیم نوشتند: "درمان کارگران، به مرحله فاجعه - آمیزی رسیده، کارگران از این وضع به‌تندیک آمده‌اند. آنجا این سؤال را در نامه خود مطرح کرده‌اند: "سود سه‌سوم و ربح بیمه کارگران"

### باز خرید، توطئه اخراج کارگران

"باز خرید" کارگران را به‌عنوان مؤثرترین و رایج‌ترین شکل اخراج دسته‌جمعی آنان از اوایل سال ۵۶ به‌آزاد آمد، همچنان ادامه دارد. واحدهای تولیدی و صنعتی کشوری پس از دیگری به‌الاست تعطیل درمی‌آیند و کارگران آن به‌مقور میلیونی بیکاران آغاف می‌شوند.

رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی در هر اس از واکنش اعتراضی کارگران، اخراج را در لفا فقط هرگز ریب باز خرید به‌توده کارگران عرضه کرد و با تشدید شرایط طاعت فرسای کار، حذف مزایا و تنظیم و تهدید شرایط لازم و برای پیشبرد این سیاست فراهم نمود. رژیم سعی کرده و می‌کند که کارگران را با حقوق ناچیز و شرایط دشوار کار رساند تا نتوانند به‌باز خرید و اخراج دهند و با طلسم "روا نه جبهه‌ها کردند، هم‌کنند، در اکثر قریب به اتفاق واحدهای تولیدی حق اضافه کاری، نوبت کاری، شیفت کاری، حق تاها و روتیتر کارگران از فهرست مزایا حذف شده‌است. اکثر سر مهدکودک‌های واحدهای تولیدی تعطیل شده‌اند. قطع مزایای فوق، یک سوم ای‌بک دوم حقوق دریافتی کارگران را کاهش داده و برخاسته‌های کارگری فضا رزندی را چند برابر کرده‌است.

تسلیمات کارفرمایان و مدیران دولتی برای ترغیب کارگران به پذیرش اجباری باز خرید همچنان ادامه دارد. کارفرمایان و مدیران واحدهای تولیدی علناً می‌گویند که وضعیت اقتصادی مملکت به‌کشتی در حال غرق شدن می‌ماند، باز خرید تاقیق نجات است، هر کسی اگر امروز از این تاقیق‌ها استفاده نکند، معلوم نیست فردا چنین تاقیقی باقی بماند.

کارگرانی که مجبور به قبول باز خرید شده بودند و یا سراسر عوام‌فریبی‌ها و شانتاژهای رژیم "دا طلبانه" خود را باز خرید کرده بودند خیلی زود، خودخواهانه‌ها نشان در معرض پیدا مدهای فاجعه‌بار و بیگاری، گزافی سرسام‌آور و ما بحتاچ اولیبه‌زندگی، در بدردی و فلک‌ت دیدند. آن دسته از کارگرانی که فکری کرده‌ند در یافت مبلغ ناچیزی از بابت باز خرید سوا بکار خود، می‌توانند شغل مناسبی برای خود دست و پا کنند، یا واقعیت‌های تلخ جامعه جنگ زده و بحران افسارگسیخته آن مواجه شده و دریافتند که رژیم چه‌کلاه گشادی بر سر آنها گذاشته‌است.

کارگران می‌دانند که این رژیم سدمردمی و رباکار رمنی خواهدومنی تواند، وعده‌های خود را عملی کند، طرح تحویل ۵۰ الی ۸۰ درصد محصولات برخی کارخانجات به‌تجار بزرگ و سرمایه‌داران برای

چه می‌شود؟ آیا هنوز هم بودجه سنگین حق بیمه کارگران در حد رایج خدمات درمانی معمولی نیست؟ براساس میلیا در دهاتومان اندوخته سازمان تا مین اجتماع می‌صرف چه چیزی می‌شود؟ واقعیت آن است که به‌جای آنکه این اندوخته صرف هزینه‌های یسی چون خدمات درمانی، بیمه بیگاری، از کارافتادگی، تا مین خدمات رفاهی، تا مین آسایشگاه و همسایه و امکانات فرهنگی، ورزشی و رفاهی برای کارگران و خانواده‌هایشان شود، به‌شکال مختلف مسود سوء استفاده مسئولین حکومتی قرار می‌گیرد.

### حق بیمه کارگران صرف چه می‌شود

علاوه بر اختلاس و دزدی آشکار و حیث و میل بی‌حساب، پیربپانه و تحت عناوین مختلف از این اندوخته برداشت می‌شود. و به‌حساب جیب کارگران انواع و اقسام حاشیختی‌ها صورت می‌گیرد. وزارت کار برای اجرای سیاست عوام‌فریبانه "حفظ اشتغال در شرایط اقتصادی نوبت به فکر سرمایه‌گذاری از پول تا مین اجتماع می‌بسی "ایجاد شغل" و غیره می‌افتد. وزارت خانه‌های دیگر و نیز سازمان تا مین اجتماع، پول بیمه کارگران را صرف سرمایه‌گذاری در عرصه‌های مختلف می‌کنند. برای اجرای طرح عوام‌فریبانه فروش سهام کارخانجات دولتی به کارگران، ناگهان ایده تا مین حال از این منبع، به‌ذهن مقامات خطوری کند. یکی از آخوندها در محبتش برای کارگران کارخانه صنایع چوبی ایران، در پاسخ به سؤال کارگران - که پرسیده بودند آیا کدام پول سهام کارگران را بخیریم، چگونه می‌خواهید وقتی که هنوز خانه نداریم ما را صاحب کارخانه کنید؟ - به آنها "اطمینان" داد که: "شما فکریول را نکنید، ما اعتباری به مبلغ ۶۰۰ میلیون تومان از سازمان تا مین اجتماع می‌گرفته‌ایم که اختصای به این امر دارد! حسین کمالی نماینده مجلس ارتجاع در سخنرانی برای کارگران ایران با سادربا بر اعتراض کارگران به این حیث و میل‌ها اعتراض می‌کنند: "در این سی چندسال که از ایجاد سازمان تا مین اجتماع می‌گذرد، کارگران ۲۷ میلیا ردمومان حق بیمه پرداخت کرده‌اند.

آنکه از لازم برای خرید مواد اولیه این واحدها را دریا زار و آذوقه می‌کنند، تبدیل واحدهای صنعتی به واحدهای تولیدی جنگ افزار، جابجایی واحدهای از واحدهای تولیدی به صنایع نظامی، اعزام دسته جمعی کارگران به جنگ، تعطیل هرچه بیشتر واحدها بعلت نبود ارز، تخصیص میزان رژیم به اخراج حداقل ۱۵۰ هزار کارگر تازه، همه‌وجه برداشتن و اخراج ما بازم خواهد افزود و دروغ بودن وعده و وعده‌های مسئولان رژیم از جمله وزیر کار رخصتی را بیش از پیش افشا خواهد کرد.

جنگ گسترش باز خرید و اخراج ما بحران رژیم، خواست پایان دادن به جنگ و متوقف کردن سبیل اخراج ما را به خواست عمومی کارگران بدل کرده‌است. همراه با پیشبرد مبارزه علیه جنگ و سرکوب و اختناق مبارزه علیه تضیقات رژیم حمایت ما را به مبارزه برای تا مین حق شکل مستقل کارگری و تا مین هم‌هنگی و اتحاد بین کارگران شاغل و کارگران اخراجی و بیگاری با دستکش باید.

ایجاد کانون‌های کارگران اخراج شده، سازماندهی مبارزه هماهنگ علیه اخراج و جنگ، مبارزه برای برخورداری از حق بیمه نیکواری در ایام میکسکاری، سازماندهی اعتراضات روانی کارگران برای متوقف کردن اخراج ما و بازگرداندن کارگران اخراجی، از مهم‌ترین وظایف پیشروان کارگری در این مرحله از مبارزه است.

در یک کلام، باید این مبارزه را بگونه‌ای سازمان داد که کارگران برای مقابله با بحران روبه‌گسترش، به‌جای دل بستن به "تاقیق نجات باز خرید" تسلط کنندسکان کشتی طوفان زده را به دست گیرند.

### لایحه باز زنگی " رفندی دیگر برای اخراج

با پایمال شدن مداوم تمامی حقوق صنفی و رفاهی کارگران، بویژه اخراج‌های گسترده ما بهیای اخیر که تحت عنوان "سیاست نوبت اقتصادی" با سیاست "کم کردن تا مین خورها" صورت گرفته و می‌گیرد، اخیراً سردمداران عوام‌فریب وزارت کار رژیم به فکسر "حمایت" از نیروی کار جوان و وندل "حسرات و مبرات" به کارگران مسن افتاده‌اند. وزارت کار با کمک چندوزارتخانه دیگر طرحی را تهیه کرده و به تصویب دولت رسیده‌است که به‌گفته وزیر کار، هدف آن "حمایت از نیروهای ما یل به باز زنگی، حمایت از واحدهای تولیدی که برخی نیروهای تا مین تولید (یعنی کارگران مسن) دارند و حمایت از نیروهای جوانی که تازه وارد بازار کار می‌شوند" می‌باشد. این طرح ظاهراً طرحی است مربوط به باز زنگی، اما در واقع ادامه سیاست وقیحانه "کم کردن تا مین

حتی یک میلیا رده تا مین برای کارگران صرف نشده است. تا چند سال دیگر تا مین اجتماع برای کارگران پولی درست نخواهد داشت. این پولها صرف خرج‌های بی‌حساب و وکتا بوسر ما به‌گشاداری غلط شده‌است.

اما در هر حال مسئولین عوام‌فریب جمهوری اسلامی گوششان به اینچنین اعتراضات و نارضایتی‌ها به‌گرا نیست. آخرین راه‌حلی "کاهش برای حل مشکل تا مین اجتماع می‌یافته‌اند، این است که: "سازمان تا مین اجتماع می‌وزارت بهداشت متفک شده و به وزارت کار و امور اجتماع می‌الحاق گردد!"

کارگران می‌پرسند که وزارت کار تا حال چه کلی برسرا کارگران زده‌است تا کارگران به‌این "قطع و وصل" دلخوش کنند؟ کارگران می‌دانند که با انتقال سرپرستی این سازمان به وزارت کار مشکلی حل نمی‌گردد چون خانه‌های بست ویران است، و تا زمانی که قانون تا مین اجتماع می‌براسان مشور جها می‌توانیم اجتماع می‌تدین نشود و خودکار کارگران در تدوین قانون کار تا مین اجتماع می‌شرکت نداشته باشند، و مشکل‌های واقع‌عی کارگری بر جای آن کنترل و نظارت نداشته باشند، نه قوانین و مقررات تا مین اجتماع می‌و نه سازمان تا مین اجتماع می - بویژه اگر این سازمان ابزار دست این بی‌آن وزارت خانه باشد قادر به حل این مشکل نخواهد بود و آش و وگاسسه همان کاسه خواهد بود.

در شماره ۲۲ نشریه "کار" مهمترین امولسی را که باید نظریک قانون تا مین اجتماع می‌مترفی باشد، بر شمریدیم و تا کیده کردیم که اصولاً در سازمان تا مین اجتماع می‌امری است مربوط به حقوق بازنشسته اتحادیه‌سراسری کارگران در قضا س کشور. کارگران پیرو و آگاه باید ضمن تکیه بر وضو بیط دموکراتیک تا نظریتدوین یک قانون مترفی تا مین اجتماع می‌و سازماندهی مبارزات کارگران علیه خواست ارتجاعی موجود با بسیای مبارزه برای ایجاد کانون‌های مستقل صنفی، ضرورت‌آدا و در اختیار قرار گرفتن خدمات تا مین اجتماع می‌ توسط کانون‌های سراسری کارگری را نیز وضو تبلیغ و ترویج کنند.

خورها" است. این "تان خورها" که بزم و وزیر کار مانع تولیدند و واحدهای تولیدی را دچار متکسل می‌کنند، کارگرانی هستند که جسم و جانشان در اسر سالیان طولانی کار طاقت فرسا در کارخانجات برای سرمایه‌داران فرسوده شده و کارایی‌شان نسبت به گذشته کاهش یافته‌است. روشن است که آنچه نگیزه وزارت کار رود است نه حمایت از کارگران مسن، بلکه با لایحه داشتن نرخ اشتغال کارگران و تا مین هرچه بیشتر سودسرای سرمایه‌داران است.

رژیم ضدکارگری خمینی سعی می‌کنند که اخراج‌های دسته‌جمعی را تحت عناوین مختلف ما باند باز خرید "و باز زنگی" و غیره عملی کنند. همان‌طور که در جریان با عطلات باز خرید، علاوه بر کارگران ساده، نیمه‌ماهر و بیما، کارگران مسن نیز وسیعاً اخراج شدند و مثلاً در ایران تا سونال، به‌عنوان نمونه بخش وسیعی از کارگران بالای ۴۰ سال نخستین قربانیان باز خرید شدند، هدف این طرح شیوا اخراج کارگران مسن زیر پوش حمایت از آنان است. هدف دیگر رژیم از طرح این لایحه‌گذاری این است که وانمود کنند که کویسا در فکر "حمایت" از نیروهای جوانی است که در جستجوی کارند. حال آنکه این عوام‌فریبی محسسی برای کارگران جوانی که رژیم آنها را دسته‌دسته از کارخانه‌ها اخراج و یا مجبور به رفتن به جبهه‌های جنگ کرده و می‌کند، آشاء خواهد شد.

مسئولین وزارت کار خوب می‌دانند که حسینی باز زنگی چه خواستی دارد. اما رعایت این خواست را به سود سرمایه‌داران نمی‌بینند، بطوری که در طرح قانون کار اسلامی تا مین به آن کردن تنها ده‌اند. منشور جهانی تا مین اجتماع می‌و نیز بقا و ولنا مه‌های سازمان بین‌المللی کار بر حقوق حقه کارگران مسن، سقف سنی کار وروظایف و تکالیف دولتها در این زمینه تا کیده‌اند. کارگران باید ما مبارزه قاطع، دولت را مجبور کنند که حق باز زنگی را صرف نظر از سنوات پرداخت حق بیمه کارگران، با پرداخت حقوق کامل باز زنگی آنها تضمین نماید. کارگران باید دولت را وادارند که کارگران مرد را در ۶۰ سالگی (برای کارهای سخت و زیان آورده ۵۵ سالگی) و کارگران زن را در ۵۵ سالگی باز زنگی کند و حقوق باز زنگی آنان را - صرف نظر از سنوات پرداخت حق بیمه - به باز زنگی مسن بپردازد. دولت تنها از تعالی کارگران به باز زنگی سخر گرفته و تکالیف خود را مسکوت گذاشته‌است.

کارگران پیرو با یضمن اثنای این لایحه ارتجاعی و بر ملا کردن هدف واقعی باز زنگی، آن حقوق مربوط به باز زنگی را برای توده کارگر توضیح دهند و توده کارگران را علیه این طرح متشکل و بسیج نما یسند.





خودش همراه با هاشمی رفسنجانی دروازه چشم مردم با آمریکا به معامله نهشته است.

اکنون افشای مقاصد یک سال ونیم رابطه پنهانی با آمریکا و اسرائیل، هم در عرصه ملی و هم در عرصه بین المللی کارها بزرگ است. این افشای گری با بدین بر ملا کردن چهره مزور و ماهیت فذلخلی و فذللی رژیم و ماهیت نیرنگ با زامیریا لیسیم آمریکا و مجموعه تعهدات دوروزیم در برابر یزدیکدیگر، افساد فاعلی آنها در مرکز توجه قرار دهد. اکنون تا کیدبردغل کاری رژیم بیش از هر زمان دیگر به افشای ماهیت و اهداف آن خدمت و بیش از هر زمان دیگر نیسر و علیه آن بسیج می کند.

نبا بدکارا به افشای ارسال اسلحه به ایران خلاصه کرد. این کار رتسنزل سیاست انقلابی به سیاست محافظه کارانده است. سیاست انقلابی هم فسرور تسلیمات و هم معاللات پنهان و آشکارا مجموعه تعهدات متقابل رژیم بسوا میریالیست ها و ارتجاع منطقه و هم سیاست مزورانه امیریا لیسیم هسا و رتجمعین منطقه که دم از صلح می زنند، اما در عمل راه ادامه جنگ را برای تحقق منافع شان هموار می کنند. در مرکز حمله خود قرارخواهد داد.

مسایل جنگ و چشم انداز آن:

تشخیص درست روند جنگ و چشم انداز آن در وضع فعلی طلقه مهم در شناخت و تحلیل موقعیت و اوضاع سیاسی کشور است. اکنون نه تنها بحران حا دووخیم کشور، بویژه وضع دردناک زندگی مردم تحت تاثیر جنگ به سوی انهدام کشیده می شود، بلکه اوضاع سیاسی کشور و منطقه، بویژه درجهت گسترش مواضع و نفوذ امیریا لیسیم تا ثیرات عمیق بر جای نهاده می نهد. بررسی وضع جنگ، ملاحظه مجموعه عوامل سیاسی و نظامی دره دو کشور در منطقه، بویژه محاسبه نقش عوامل بین المللی بسروشنی شان دایه است که علیرغم ادعاهای شمشزکننده خمینی و پیروانش امکان پیروزی نظامی یکی از طرفین جنگ و شکست دیگری وجود ندارد. جنگ همانگونه که پیش بینی می شد، عمیقاً درین بست است. هیچ چشم اندازی برای غلبه یکی بر دیگری به چشم نمی خورد. تبلیغات رژیم در این باره که گویا می تواند عراقی را فتح کند، و در میدان نبرد طرف مقابل را شکست دهد، دروغ محض است.

عملیات جنا پیکارانه و تاجه امیرکربلای ۴ و ۵ و ۶، شباهان و حشیا نسه شهرهای ایران و عراق و دهها هزار رگشته ای که درجبهه ها و شهرها برجسای مانده اند، همه همه بازهم یک بار دیگر اثبات کرده که ادامه جنگ فقط ابعاد جنایت و فاجعه را دامن می زند.

امیریا لیسیم های آمریکا و اروپا تا امروز مشخصا به هر دو طرف فقط آنقدر کمک کرده اند که بتوانند به جنگ ادامه دهند. آنها با کم و زیاده کردن حجم اسلحه ارسال به ایران و عراق با کم و زیاده کردن امکانات تولید و فروش نفت هر دو کشور، با بالابردن برین کردن نظامی خود به ایران و عراق و تقویت و با تضعیف عملی منابع و امکانات دو کشور برای تعرض و دفاع تعادل معینیت را درجبهه ها بگونه ای حفظ کرده اند که جنگ درین بست ادامه یابد. ارسال پنهانی اسلحه آمریکا به ایران و همزمان با آن ارسال پنهانی اطلاعات نظامی به عراق از طرف آمریکا بمنظور بمباران موثرتر شهرهای ایران، نهادن سارکوبی ای از نوع "بی طرفی" و مقاصد ریاکارانه امیریا لیسیم است. در منطقه مقابل این سیاست جنا پیکارانه، سیاست اتحاد شوروی درمساله جنگ ایران و عراق خودنمایی می کند. اتحاد شوروی از لحظه آغازین جنگ، آنرا بر دستنی جنگی بی معنا از منطقه طرفین جنگ دو کشور ازبایی کرده و ادامه آنرا صرفا بسود امیریا لیسیم ها در منطقه شناخته است. تلاش اتحاد شوروی از ابتدا تا امروز همواره این بوده است که جنگ فورا قطع شود و تمام اختلافات موجود میان دو کشور از طریق مسالمت آمیز و مذاکرات میان دو کشور حل و فصل گردد.

در ایران و عراق طبقه کارگر و دهه مردم هیچگاه نه در پیروزی یک رژیم بر دیگری ذینفع بوده اند و نه در اشغال یک کشور توسط دیگری. جنگ از آغاز تا امروز جزبانی های بکلی جبران ناپذیر برای مردم هر دو کشور و هیچ حاصلی نداشته است. منافع خلقهای دو کشورچه دیروز، چه امروز ایجاب کرده است که صلح با بدین روابط حسن همجواری و دوستی میان دو کشور برقرار یابد و برقرار یمانند. اما رژیم سرکوبگر و بورژوازی حاکم بر عراق و نیز رژیم فسوق ارتجاعی و سرمایه داری خملت دیگری دایه. زمانه ای که جنگ آغاز شد، بورژوازی عراق با چراغ سبز امیریا لیسیم آمریکا و حمایت ارتجاع عرب امیدوار بود که مجموعه عواملی کذب و اوضاع ایران و اوضاع منطقه بازمی گشت، و ی راقا در سازد، حداقل بخشی از ایران را به دست آورد، اما شکست آنها رهبران جامعه ملی اسلامی را براساس این محاسبه غلط به فکر ادامه جنگ انداخت که گویا وضع طوری شده است که می توانند عراقی پیروز شده و جمهوری اسلامی بیروالیست ققیبه در آنجا مستقر کنند، تکرری که شما لایات توسعه طلبی اسلامی و ناسیونالیسم بسورژوازی راست به وجود بهنگا بومی انداخت. در چنین شرایطی افسوسناک و وسیعی که در جامعه تحت تاثیر این افکار و این ارزیابی بودند، تنها به پایگاه اجتماعی و نیروی محرکه جنگ عمل می کردند.

اما واقعیت های سخت زمینی درسالهای اخیر، سراین فکر را مدام بر سنگ کوبیده است. ناکامی در تحقق رویا های تجار و کارانه هر زمان امکان تحقق این آرزوها را در ذهن بخش بزرگی از جامعه ایران ادامه جنگ به زیر علامت سؤال می کشد. ترس ازبسی آمد های گسترش دامنه مخالفت و مبارزه توده ها برای صلح و علیه ادامه جنگ، پایه اجتماعی جنگ را محدود و محدودتر می کند. بررسی روحیات و ضابطات اقشار مختلف اجتماعی نشان می دهد که بویژه درسالهای اخیر، روز بروز از نیروی حامی جنگ کاسته شده و نیسروری مخالفت با آن تقویت شده است. طی این سالها، بخش های ارشد وسیع تری از مردم هر چه بیشتر به تفاهد عمیق میان منافع واقعی خود با سیاست های جنگ طلبانه رژیم پی برده و علیه آن برخاسته اند. بخش های وسیع تری از بورژوازی نیز با تنگ و اقصیات به این سمت کشیده می شوند که ادامه جنگ به سود آنان نیست و باید راه های تازه ای جستجو شود.

فاکت ها نشان می دهند که طی سالهای اخیر بخش های معینی از بورژوازی، بویژه تجار همچنان از قبیل جنگ سود برده اند. علاوه ادامه جنگ و سیلیس سرکوب نیروهای ترقیخواه و مطالبات توده های خلق قرار گرفتن راه نردیکی رژیم با امیریا لیسیم ها از توجه همسوار ساخت و به بیشترت مواضع میاوری راست و ارتجاعی در حکومت خدمت کرد. اینها همه منافع بسیار مهم جنگ برای بورژوازی و رژیم است. اما امکان تحقق اهداف مستقیم خود جنگ، یعنی شکست عراق و هر روز بیشتر زیر علامت سؤال رفته است. قطع شدن امید به شکست عراق در جنگ، رتد مبارزه خلق علیه جنگ و محدود شدن و تحلیل زفتن امکانات مالی، اقتصادی و نظامی رژیم، آن را از سوی تکیه گاه اجتماعش همسرای یافتن راه حل، تحت فشار قرار می دهد. رژیم را به سوی ابتکارات سیاسی تازه برای ادامه جنگ سوق می دهد. در این زمینه واقع مهم دریک ساله اخیر آن است که رژیم ایران از روزی خواهد مجلسی کذایی انقلاب اسلامی عراق

را گسترش دهد و آن با مصالح جبهه متحد نیروهای مخالف صدام برابر آید. دیدار بین عده ای از رهبران نیروهای کرد عراقی و برخی دیگر از مخالفان صدام با حکیم او اعوان و انصار در تهران نشان داد که رژیم بر خلاف سابق امیدوار نیست که اوضاع جنگ، مقاومت روز افزون مردم دو کشور و اوضاع بین المللی فعلا کوچکترین روزنه ای برای فتح عراق باز کند. امیریا لیسیم آمریکا و متحدینش که در سایه جنگ حضور خود را در منطقه و بویژه حضور نظامی خود را به شدت افزایش داده اند، در هر دو کشور با تمام نیرو فاعلی می کنند که با گرفتن امتیازات از طرفین به نفع خود، بیشترین تغییرات را در سیاست و اوضاع دو کشور در منطقه ایجاد کنند. خمینی همچنان حاضر نیست جنگ با صدام را قطع کند و آنرا بی راستی فاجعه ای برای رژیم می شناسد. اما رژیم ادامه داده است برای اینکه صدام برود با آمریکا و ارتجاع منطقه وارد معامله شود و امتیازات بزرگ به آن بدهد. آنها علنا به امیریا لیسیم آمریکا و رژیم های ارتجاعی منطقه اشاره می کنند که چنانچه آنها از خواست "حداقلی" رژیم که رفتن صدام است، حمایت کنند، رژیم با آنها از جنگ با عراق می تواند نقش بیشتری را بسود غرب در افغانستان بهیسه بگیرد.

تمركز وسیع ارتش نا توی ترکیه در مرز آن کشور با عراق و با ایران و مانورهای آن بیا نگران است که آمریکا صدمه است که از هرگونه تغییرات احتمالی بجز آنچه که آمریکا و نا توی طلب می کنند، و از هرگونه "سواستفاده غیر مترقبه" ایران و سوریه از موقعیت های احتمالی ناشی از تغییر و تحولات آتی در جنگ، با تکیه بر قدرت جلوگیری کند.

محدود شدن یا بهیچاقی جنگ در کشور البته به سود نیروهای صلح تمام شده است. اکنون صلح خواست با زهم عمومی تری است. امنا معنی و مفهوسوم آن خواست مدافعان آن تمام ما همان است که بود. آن کس طرفدار صلح است که خواهان آتش بس بی قید و شرط و بازگشت فوری و بی قید و شرط همه نیروهای طرفین به پشت مرزهای بین المللی و حل تمام مسائل مورد اختلاف بین دو کشور از طریق مذاکره باشد. قابل شدن پیش شرطی برای قطع جنگ، طرفداری از ادامه جنگ است. مشروط کردن قطع جنگ به رفتن صدام، به پرداخت غرامت، به الحاق بخشی از خاک یکی به دیگری و غیره همه و همه همان سیاست ادامه جنگ است.

برای تا مین صلح با بدین باره علیه رژیم را گسترش داد. امروز همه جناحها و جریان های درون رژیم تحت رهبری خمینی، عملا در خدمت جنگ اند. مساله جنگ و صلح نیز هنوز موضوع منازعه جناح ها در حکومت نیست. مبارزه در راه سرکوبی رژیم که وظیفه مقدم ما است، با مبارزه در راه صلح گره خورده است. موثرترین راه گسترش مبارزه برای سرکوبی، مبارزه در راه صلح است. هیچ شعاری به اندازه صلح مردم را علیه رژیم بسیج نمی کند.

حدت اختلافات در حاکمیت:

صف بندی درونی حاکمیت جمهوری اسلامی، در هشتمین سال حیات آن باز هم رنگ باز زشتی بخود گرفت. سیر و پویا ده سال جاری در جهت ارزیابی های بلنوم در زودین دربار ماهیت، پایه های طبقاتی و مستکبری رژیم جمهوری اسلامی و عمده ترین وجوه وحدت و افتراق جناحها و مستکبری آنها گسترش یافته اند. این رویدادها همچنین نشان می دهند که در تناسب قوا و در برخی مواضع جناحهای حاکم تغییرات معینی گسترش می یابد که با این توجه اند. تضادهای ناشی از حضور گرایشات متضاد و وابسته به اقشار مختلف بورژوازی و شیوه های برخورد متفاوت با تضاد میان اداره کشور بر اساس فکاهت و نیازهای رتد سرمایه داری، دست بندی های گوناگون را در حکومت پدید آورده که در آخرین تحلیل حول دو جناح رتقب متشکل شده اند.

در وضعیت فعلی عمده ترین مورد اختلاف میان جناحهای حاکم همچنان حول تسخیر ریه های اصلی قدرت، نقش و حده مطلق دولت در اقتصاد و برخی مسایل بیرونی شیوه اداره کشور دور می زند. جناح رسالت خواهان حذف نقش دولت در کنترل اقتصاد و آزادی عمل بیشتر برای بورژوازی بزرگ، با لایح بورژوازی تجار دلال است و جناح مقابل که دست با لارا دارد، برای اداره جنگ حفظ موجودیت نظام و حکومت و جلب طیف وسیع تری از بورژوازی به حمایت از حکومت، ضروری می دانند که عمده ترین منابع انرژی، موسسات کلیدی در اقتصاد و سیاست ما ملیت در خدمت اهداف رژیم و تحت کنترل آن بما نوسازمان اداری دولت با نیازهای نظام سرمایه داری موجود پخته یابد.

رشدگرایی اجتماعی و دست بندی بر سرتدرت آن تا نجا پیش رفته است که طرفین آشکارا برای چیدن افرا در مورد نظر و مورد اعتماد خود در پست های حاکمیتی به اشکال مختلف نقشه می ریزند و علیه هم توطئه می کنند. جنگ قدرت آنجا ن حادث است که جناح رسالت که تا دیروز بسته ماندن در راه بروی آمریکا شکار تداخت، امروز با سیاست و زود بینی پنهانی با آمریکا مخالف لایحی می کند، یا آنها که در مساله جانشینیت، منتظری را بر مسالنا لایحی می شناختند، امروز می کوشند از بورژوازی اختلاف میان رفسنجانی و منتظری بسود خود استفاده کنند. ایام پدیدده، قبل زهمه حدت تضادهای درون رژیم را با زگو می کنند. علیرغم تمام تمهیدات خمینی، رفسنجانی و منتظری و دیگران، بر زمین بحران سیاسی و اقتصادی اجتماع موجود و توان قسوی دست بندی های درون رژیم، اختلافات درون حکومت با زهم حدت و شدت بیشتری خواهد یافت.

خمینی همچنان از طریق ما نوروی منافع جناحهای رژیم می کوشد خود را مافوق هر دوی آنان قرار داده و از این طریق، نقش متحد کننده خود را ایفا نماید. وی هم اکنون هم دارای آنچنان موقعیتی است که همه نیروهای درون رژیم همچنان می کوشند در برابر او قرار نگیرند. در حاکمیت جمهوری اسلامی هیچ نیروی وجود ندارد که تحت رهبری خمینی نباشد. اما در شردت نهادها خمینی مجبور شده است در موازین خود مستقیما وارد عمل شود. وضع طوری است که بر خلاف سالهای قبل "مداخله مستقیم" خمینی در تمام موارد کار رتیب نیست. طی دوره های اخیر همواری دست بندی های درون رژیم حتی به حکم مریح ولی ققیه هم نتواند اند.

در این او خرابا ثرنیای های جنگ، اداره حکومت و حفظ رژیم، موضع گیری های خمینی در جهت تقویت نقش رفسنجانی در ترکیب قدرت سیاسی تاثیر کرده است. سرکوب گروه میهدی ها و گوشمالی منتظری، شامت رسالتی هسا و بازداشت احمد کاشانی و سرهنگ کشیه و دیگران، تغییرات کابینه طی این مدت، تقویت سپاه، در برابر ارتش، کارنامه رفسنجانی در سپاه و سیاست خارجی، همما زچمله عواملی هستند که به تقویت نقش وی در جمهوری اسلامی کمک کرده و با آن ناشی شده اند.

برخی شما تها ی خمینی - که پیش از هر چیز به فکر حفظ نظام است - علیه رسالتی و این ویژگیها و رفسنجانی ها، گره خورده اوضاع را بگونه ای محسوس زبان رسالت تغییر داده است، با این حال با بدگفت اکنون ترین عمده ترسها و سیاستهای برتو ما می و اقتصاد این جریان هر زمان پیش از پیش توسط جناح رتیب پذیرفته

آوبه اجرا گذاشته شده‌وی شود. تعادل قوا همچنان شکننده است. ریاست جمهوری شورای نگهبان، نهی از مجلس، آیات عظام، جامعه مدرسین، روحانیت میانی و بسیا ری محافل قدرتمند منشا به نیروهای بی‌سند که در جمهوری اسلامی نمی‌توان آنان را دست کم گرفت.

از روی دادهای مهم هشتمین سال جمهوری اسلامی، تضعیف چشمگیر نقش و موقعیت "فقیه عالیقدر" است. طی روندها و رویدادها بی‌ی که مستقما تحت هدایت و فرمان خمینی و به دست رفسنجانی پیش رفتند، نه بی‌پرونده آشکارا و گوش شنیده است و وضعی پیش بیاید که منتظران نه بعنوان یک چهره قدرتمند و رهبری کننده، بلکه بعنوان یک فقیه مطیع معرفی شود. پس از کشمکش های مربوط به مسایل ارضی و بانحوه برخورد با مخالفان و مسایل مشابه، اکنون در اجرای مصلحتی ها شمی نیز منتظری با ردیگر نشان داده است که همواره در آخرین تحلیل وسیله پیشبرد مصلحت مدخیمینی است. تحلیل عینی تضادهای درسیتمحاکم و شخصیت و جایگاه منتظری در کشور در دستگاه روحانیت از ابتدا تا امروز همه و همه حاکی از آن است که منتظری پس از خمینی در مقام ولی فقیه هرگز نخواهد توانست چون خمینی نقش و تاثیر تعیین کننده ای در حاکمیت جمهوری اسلامی ایفا کند. او در موقعیتی نخواهد بود که تحت تاثیر نیروی همزیستی جناح های حکومتی و حتی وحدت نیروی های بی که وی را به ولایت برگزیده اند، حفظ شود.

گسترش روندهای جاری قاطعا تغییرات جدیدی در صف بندی نیروها در حکومت پدید خواهد آورد. باید انتظار داشت که نیروهای دیگری دفع، قربانی و بسا سرکوب شوند. بویژه با پیدایش راداشته که موانع رفسنجانی و تقویت موقعیت او در میان سران رژیم به تغییرات و جایجایی ها در ترکیب نیروها در جناح های حکومت منجر شود.

تضادهای درون رژیم باید تنها ما در جهت سرنگونی آن مورد بهره برداری قرار گیرد. چرا که تلاش و ستیزه جویی از جناحها و دست بندی های درون رژیم با مبارزات خلق ناهمسو نیست. رژیم و همه جناح های آن به شدت ضد کمونیست، ضد دموکراتیک، سرکوبگر و بی انصافی اند. تسلط هیچیک از نیروها بی که تحت رهبری خمینی و در چارچوب رژیم ولایت فقیه عمل می کنند، تضاد عمیقی را که میان این رژیم و مصلحت مردم وجود دارد، حل نخواهد کرد. هرگونه امید به دست بندی های درون رژیم، حتی دست بندی های فرعی و شعبی آن، به مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم و ولایت فقیه آسیب می زند.

وضع بحرانی کشور، وضعیت و درجه حدت تضادهای درون رژیم به نیروهای مترقی کشور هشدار می دهد که در روندهای آتی با پیدایگان ن پایان رشد مصلحت آمیز تضادهای درون رژیم نیز مورد توجه قرار گیرد. اکنون ۵ سال پس از استقرار کامل ولایت فقیه، بر بستر بحران حاد و پنهان کن اقتصادی که تمام مظاهر و نشانه های آن در کشور در نور دیده است و بر بستر نارضایتی عمیق و وسیع ترین اقشار مردم از وضع موجود، تضادهای درون رژیم، حتی علیرغم تخفیف داده منسخره مضامین برنا عمای مورد اختلاف بازم حدت می باید. اکنون که خمینی سنی هنوز در صحنه است، قابل به دریدن پدیدگی را چه نیروهای هر دو جناح بی می بارد. تضادها و تضادهاست که اوضاع پس از خمینی غیر قابل پیش بینی است. این وضعیت بویژه هشدار می دهد که تضاد عمیق بین نیروهای ترقی خواه ایران و تکیه ای است بر نفو و ضرورت هماهنگ کردن و همسوی کردن و بسیج حداکثر نیروی خود برای سازماندهی و گسترش یورش همه جبهه به رژیم در راستای سرنگونی آن.

ما و دیگر سازمانهای سیاسی :

در آغاز سال ۶۵ برگزاری پیروزمندان نه پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) موقعیت ارزشمندی را برای جنبش انقلابی میهن ما رقم زد. پلنوم را از شکایات یک رشتی از مسایل کلیدی جنبش انقلابی بویژه در زمینه مسایل استراتژی و تاکتیک گردید. انجام وظایف و اجرای قراها و سیاست های مصوب پلنوم ضروریست ۶۵ بی گمان می تواند موقعیت های بیست و سه را در راستای منافع طبقه کارگر برای جنبش انقلابی کشور به ارمغان آورد.

در تابستان سال جاری، پس از برگزاری موفقیت آمیز پلنوم، رژیم بسا سازماندهی یک یورش سراسری و یکبارگی همه وسایل و امکانات خود را مملکت سازمان های جا سوسی امپریالیستی تالان کرد و رشد و گسترش فعالیت و حضور و نفوذ سازمان در میان توده ها جلوگیری کند و هر اسل خود را از روندها زمان با بی مبارزه طبقه کارگر فرو برد. در حالی که یورش با بیش از هزار نفر از مسئولین، اعضا و هواداران سازمان دستگیر و ریخته شده و در زندان زبیر حوضیه نه ترین شکنجه های مرگبار قرار گرفتند. یورش همزمان و پس از مذاکرات سری مقامات رژیم با فرستادگان ریکان و در شرایطی صورت گرفت که فعالیت افشاگرانه علیه رژیم موثرترین ضربات را بر بیگانه رتاج حاکم وارد می آورد.

اکنون در راه سازمان، در آستانه نشان زده هین سالگرد بنیاد نگذاری آن، بر اساس ارزیابی واقع بینانه از مجموعه امکانات ایدئولوژیک سیاسی سازمانی از نوا تکیه بر مجموعه تباری که اکنون سازمان طی ۱۶ سال پیگاری انقلابی اندوخته است و با توجه به وضع عینی جامعه و جنبش و تضاد فزاینده توده ها بسا رژیم و بحران عمیق آن، با اطمینان باید گفت که سازمان ضربات اخیر را قاطعا جبران و همچنان در راستای انجام وظایف خود در جنبش انقلابی خلقی ایران عمل خواهد کرد.

در سال ۶۵ در مسایات میان نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی پدیده های مثبت گسترز روی دادهای منفی گسترش یافت. پایبندی به منافع طبقه کارگر و مطالبات مردم ایران و وحدت نظر در زمینه ضرورت سرنگونی رژیم و بسیا ری شعارها و خواسته های ترقیخواهان را به بیگانه رتاج رژیم و سوسیالیست ها صفت آن را از زلف سایر نیروهای سیاسی کشور متعاضی می سازد. بنیادده های ایدئولوژیک و جامعه آرمانی پیروان سوسیالیسم علمی در اساس یکی است و در مقابل آرمانها و اهداف جریان های بورژوازی و خرده بورژوازی قرار دارد. جنبش انقلابی ما این است که مبارزه در راه حل اختلافات موجود میان جریان های پیرو سوسیالیسم علمی در کشور ما مانع گسترش همکاری ها و دفاع متقابل آنها از یکدیگر در برابر رژیم و نیروهای وابسته بسا بر طبقه تاجتماعی نشود. در شرایطی که نیروهای وابسته به امپریالیسم و طبقات ارتجاعی سوسیالیست و سوسیالیست های راستگرا و سازشکار بورژوازی و خرده بورژوازی حد اکثر تلاش خود را به کار گرفته اند که منحصرا با مشترکات سرنوشته فرادی کشور را درست بگیرند و در شرایطی که بحران همه جبهه موجود جامعه ما مردم اسعا دوسیع ترو عمیقتری می یابد، نزدیکی و همکاری و یکپارچگی نیروهای پیرو سوسیالیسم علمی ضرورت خاص و اهمیت فوق العاده ای یافته است.

در مورد سازمان مجاهدین خلق ایران، طی سال جاری موضوع اخراج رهبری سازمان مجاهدین از فرانسه برجسته می نماید. امری که قبل از همه افشاگرانه ماهیت دولت ارتجاعی فرانسه و نیتات محافل امپریالیستی در حمایت از مجاهدین است.

استقرار رهبری سازمان مجاهدین در عراق، پس از آسیب های ناشی از آنچه که "انقلاب ایدئولوژیک درونی" خوانده شود وضعیت نامناسب و خطر خیز دیگری برای مجاهدین پدید آورد. تبدیل عراق به محل تمرکز اصلی نیروهای مجاهد و افزایش تاثیر جنگ در تنظیم تاکتیک های آنان را روز به روز بیشتر و شروشت آینده خط مشی مجاهدین را با تداوم جنگ و سیاست رژیم عراق گرمی زند و مشروط می کند.

رهبری سازمان مجاهدین همچنان به حملات کینه توزانه علیه مجموعه نیروهای جنبش انقلابی و دموکراتیک کشور بویژه کمونیست ها ادامه می زند. این سیاست در میان سازمان های دموکراتیک کشوری اعتمادی شدیدی را نسبت به پایبندی رهبری سازمان مجاهدین به دموکراسی ایجاد کرده است. روشی که رهبری سازمان مجاهدین در برخورد با نیروهای دموکراتیک کشور دنبال می کنند، اثبات می کنند که رهبران این سازمان نه تنها جدا قلی چیزی که در زمینه آزادی ها در برنامه شورای ملی مقاومت آمده بود، نیز در عمل پایبند نیستند.

مجموعه خلاق که در راه سرنگونی رژیم خمینی مبارزه می کند، با پاره دوستی و اتحاد با سازمان های انقلابی و ترقیخواه را در پیش گیرند. جنبش ما امروز پیش از همه نیازمند اتحاد و عمل و نبردها همگام علیه رژیم ددمنش خمینی، بخاطر صلح، استقلال، دموکراسی و عدالت است. ما از هر گام در این راه قویا استقبال می کنیم.

مردم کردستان در حالی که زیر سنگین ترین حملات نیروهای رژیم و قویسر بسپاران وحشیانه شهرها توسط رژیم عراق قرار دارند و در حالیکه فقر و محنتی در منطقه پیدا می کند، همچنان به مبارزه رزمجویانه خود برای خود مختاری ادامه می دهند و در بیگانه سراسری علیه رژیم، برای صلح و دموکراسی مهم بزگی بر عهده دارند. جنبش ملی و دموکراتیک مردم در بلوچستان و در ترکمن صحرا نیز علیه رژیم وستم ملی و مذهبی به بیگانه خود ادامه می دهند.

در اوایل امسال حزب دموکرات کردستان ایران همه نیروهای سیاسی کشور و جز طرفداران شاه و خمینی را به اتحاد در یک جبهه ضد امپریالیستی و دموکراتیک دعوت کرد. این گامی مثبت بود و مورد استقبال سازمان ما قرار گرفت. اما این دعوت هنوز در چارچوب کلی باقی مانده و به اقدامات بیگانه و نیتای منجر نشده است.

بیش از یک سال است که درگیری های خونینی میان حزب دموکرات و کومله ادامه یافته است. جامعه ای که تاکنون به قیمت جان مدها نثار از مردم کردها شده است. این جنگ واقعا به مردم نسیست. این جنگ فقط به سود خمینی است. سازمان ما قطع نظر از سیاست و ارزیابی متفاوتی که نسبت به این دو جریان دارد، قاطعا نه خواهان قطع قوری این درگیری ها است و هرگونه پیش شرطی را برای آن نادرست می شناسد.

پس از تشدید مانورهای اخیر رژیم های ایران و عراق در جهت بهره برداری از مبارزه نیروهای مخالف در عراق و ایران به سود اهداف خود، اکنون خطر وقوع درگیری بین نیروهای مستقر در کردستان که از طرف صدام با خمینی حمایت می شوند بسیار جدی است. هر سه رژیم ارتجاعی ایران و عراق و ترکیه در گسترش این درگیری ها دینفع اند. باید نسبت به این توطئه ها عمیقا هشیا بود. اهمیت فوق العاده دارد که مسایات و سیاست دوستانه بین نیروهای کرد و غیر کرد عراقی و ایرانی مستقر در کردستان که علیه رژیم های عراق و ایران مبارزه می کنند، گسترش یا بدو تخریب نشود.

اکنون مدتی است که "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" که اجتماع است از محافل بورژوازی لیبرال بهره ریزی مهدی بازرگان وارد صحنه شده است. انحصار قدرت سیاسی در دست روحانیت موضوع مرکزی مخالفت آنها با هیات حاکمه جمهوری اسلامی است. آنها قانون اساسی جمهوری اسلامی را می پذیرند و خواهان استعویض حکومت در چارچوب آن هستند. آنها نظام متراکمانه سرمایه داری و بنیادها و وابستگی اقتصاد کشور به امپریالیسم را حفظ خواهند کرد.

همپویندهای عمده ای که در مسایل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک میان آنها و محافل حاکمه وجود دارد، و روش سازشکارانه آنها نسبت به حکومت باعث شده است که محافل فوق بکشند و نتوانند "علمی" و "قانونی" باقی بمانند.

تضرعات اخیر جمعیت دفاع از آزادی، قبل از همه از بحران اقتصادی - اجتماعی و سیاسی حادی ناشی می شود که تا روستا و جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. بحلاوه سیاست امپریالیسم در جهت انجام مصلحت طلب در حکومت و نیز وضع موجود نیروهای دموکراتیک، این محافل را به پیشرفت خط مشی و تاکتیک خود امیدوار ساخته و برای سوار شدن بر موج نارضایتی روز افزون مردم از رژیم به تضرع واداشته است.

جمعیت دفاع از آزادی به علت اعتراض به سیاست داده جنگ و مخالفت با حکومت استبدادی و انحصاری روحانیت، نگاه و بیگانه با تهاجمات دستجات چماق حزب الله مواجده است. سازمان ما ضمن محکوم کردن این تهاجمات عمل رژیم، تاکید می کند که افشای بیگانه رتاج رژیم و سوسیالیسم این جریان با ولایت فقیه و امپریالیسم با هدف انفرادان از جنبش انقلابی وظیفه ای است میرم.

\* \* \*

بررسی جامع روندها و رویدادها بی که در کشور ما می گذرد، همه و همه شاندهنده سطره بحران همه جانبه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاد جامعه ما است. شاخص عمده وضع موجود آن است که رژیم ارتجاعی به قادی به برابری بحران و تشبیت اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به سود خود نیست.

فشار خردکننده جنگ و انبوه مصیبت های ناشی از آن و وضع فاجعه بار اقتصاد کشور، گرانی و بیگاری بکلی بی سابقه از یک سو، و استبداد خونین رژیم و سرکوب مبارزات حق طلبانه مردم از سوی دیگر، تضاد عمیق میان منافع خلق و رژیم و ولایت فقیه را هر چه بیشتر در ما می زند. طبقه کارگر، توده دهقانان و انبوه روشنگران خلقی، یعنی اکثریت قریب به اتفاق مردم کشور ما آشکارا با رژیم موجود مخالفت می کنند. رژیم تنها با سرکوب خونین قادر است به حاکمیت و سلطه خود ادامه دهد. رشد و جدت تضادهای در حکومت از توان رژیم برای پیشبرد اهداف خود می کاهد و در عمل زمینه رشد جنبش توده ای را نیز مساعد می سازد. تضادها در بالوتفا میان لایه های پایین و میانی به تشدید می شود.

مبارزات طبقه کارگر و توده مردم در حال حاضر خلطت مطالباتی و اعتراضی دارد که در آمیخته با آگاهی سیاسی و درسمت مبارزه علیه رژیم دنبال می شود. اما درجه سازمان باسی این مبارزات و نقش مستقیم سازمان سیاسی در آنها با بین است. صلح، دموکراسی و کاه عمده ترین مضامین مطالبات عاجل مردم در مبارزه علیه رژیم و ولایت فقیه است. تبلیغ سیاسی و کار سازمان نگرا نه توده ای در لحظه کنونی

پیام کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به اعضاء و هواداران

## به مناسبت شانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان

رفقا و دوستان!  
فدائیان خلق!

شانزده سال از ۱۹۴۹ یعنی سال ۱۳۲۹، روز بنیانگذاری سازمان ما و آغاز فعالیت انقلابی آن میگذرد. راهی را که مادر ملی شایسته ما پیرودها سال پیرودها ایم، راهی دشوار و پرفراز و نشیب، از میان آتش و خون، همراه با کایا میبایست و ناگه میبایست. حیات سازمان ما با همه دشواریها، حیاتی انقلابی و بالنده بوده است که از اعتقاد به مارکسیسم-لنینیسم و پیروی از آرمان نبرد دوستانه طبقه کارگر و از میان عمیق به خلق های ایران نیرو و الهام می گرفته است. امروز که در آستانه هفدهمین سال فعالیت سازمان قرار گرفته ایم، باید همچنان برجم مبارزه در راه تحقق آماج های دور و نزدیک طبقه کارگر و همه زحمتکشان را با تکیه بر نیروی رهایی بخش مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و با تحکیم صفوف خود و نبردها که راه علیه دشمنان زحمتکشان مصمانه در اهتزاز نگذاریم.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۱۹۰، بیستم، شانزدهمین سالگرد سازمان زنده مان را به شما و همه زحمتکشان راه رهایی طبقه کارگر و همه زحمتکشان کشور تبریک و شادباش میگوید. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به همه شما فدائیان خلق ایران که در شرایط ترور و خفقان ارتجاع و تهاجمات ایدئولوژیک و سیاسی بورژوازی و خرده بورژوازی، با اعزام آهنگین علیه دشمنان مردم بیگوار و ناسازی می کنید و جان بیکف راه پیروزی خلق را هموار می سازید، درودهای آتشین می فرستد و نبردها را و راه مقدس شان را بی پایان میدارد.

رفقا!

هفدهمین سال فعالیت انقلابی سازمان را در شرایط آغازین کنیم که هزاران فدایی خستگی، همزمان دلیرما، در زندان های رژیم خمینی زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دارند. بسیاری از عزیزترین ما، در این سال های سیاه، بخاطر ایستادگی بر مواضع انقلابی و کمونیستی خود به شهادت رسیده اند. همزمان، بر دفتر دلیری فدائیان اسیر، برگ زرینی افزوده می شود. در آخر پیمان ما های شانزدهمین سال فعالیت سازمان، فدائیان قهرمان رفیق مسعود ناصحی، که در روز ششدهم سازمان، در زیر شکنجه دژخیمان به شهادت رسید. اکنون هزاران فدایی در زندان های رژیم در دفاع از شرف، انسانیت و حقیقت در نبردی نابرابر با دژخیمان با ساداری بیعی، حماسه می آفرینند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در برابر پیروزی حماسی شهیدان سر تعظیم فرود می آورد و همه زندانیانی که در برابر ارتجاع دلورانه ایستاده اند، درود می فرستد و همه آزادی خواهان اسیر و فرزندان در بند خلق را به ایستادگی در برابر دژخیمان و خوار و زبون کردن دشمنان خلق فرا می خواند.

اعتصاب غذای پیروز صد زندانیان سیاسی در اوین و گوهردشت و مقاومت دلیرانه این فرزندان خلق در سال ۵۶، نشان می دهد که با ردیگر زندان سیاسی به سنگری استوار علیه رژیم مرتجع خمینی بدل می شود. زندانیان سیاسی خاری درختان خمینی اند، تقویت و پیشبانی فعال و موثر از این ایستادگی و بیگوار رحمانی و وظیفه مقدس و الای همه ما است.

رفقا!

شانزدهمین سال فعالیت سازمان برای فدائیان خلق، سال پیروزی بر دشمنان در بربرخی جبهه ها و تحمیل ضربات در جبهه های دیگر بود. برگزاری

پلنوم وسیع کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در فروردین ماه، موفقیت بزرگی برای سازمان بود. ادامه تلاش و بیگسیختگی حقیقت جویان های که در مصوبات پلنوم فروردین ماه انعکاس یافت، بیگمان راه یک رشتنه از مسایل بنیادی در جنبش انقلابی را خواهد گشود. کمیته مرکزی برای این اعتقاد است که ادامه مساعده و تکامل پیروزمندانه پلنوم فروردین مستلزم مشارکت فعال، موثر و مستقیم همه کارگران، اعضاء و هواداران سازمان است. پلنوم وسیع فروردین ماه همه ما را بسوی برگزاری نخستین گنگره سازمان فراخوانده است. گنگره ای که بیگمان میباید نقش تاریخی خود را در اعتلای مقام و موقعیت سازمان و همه مبارزان راه طبقه کارگر ایران ایفا کند. و راه وحدت همه پیروان سوسیالیسم را در حزب واحد طبقه کارگر ایران براساس مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و برپایه برنامه و اساسنامه واحد هواداران، شرکت فعال و موثر همه فدائیان خلق در مبارزه با نیروی موم مسائلی که در دستور کار گنگره است، هم برای تحکیم اراده و احساسات و هم برای شنای اسناد راهنمای عمل ما، ضرورت تمام دارد.

رفقا!

گسترش دامنه کار آگاهانه در میان توده های مردم، شرکت فعال در سازمان تکراری مبارزات کارگران و زحمتکشان و فعالیت افشاگرانه شما علیه سیاست های جنگ افروزی و سرکوبگری رژیم، در شانزدهمین سال حیات انقلابی سازمان، اعتبار و نفوذ سازمان ما را در جامعه گسترش داد. تقویت روز افزون نقش آگاهانه و افشاگرانه سازمان سبب پیروزی در شرایط تدارک و انجام معاملات و زده بندی های حرامانه رژیم با امپریالیست ها، رژیم جناحینک رخمیتی و راه گشایی افکند.

یورش سبانه سزایی رژیم به فدائیان خلق در آستانه گذشت، دستگیری بیش از هزار نفر از اعضاء و هواداران سازمان، اعمال جنایات حیوانی علیه بازداشت شدگان، قبل از همه خرابی رژیم از آگاهی کارگران و زحمتکشان و تلاش ارتجاع علیه آن برای درهم شکنش مبارزه طبقه کارگر ایران را به نمایش گذاشت. علیرغم تمام تلاش های مذبحا شده ارتجاع و امپریالیسم و دشمنان طبقاتی ما، سازمان همچنان به پیش می رود و راه خود را از میان انبوه دشواری ها می گشاید.

تلاش برای جبران این ضربات و گسترش حضور و فعالیت انقلابی سازمان، با توجه به حساسیت اوضاع سیاسی کشور و روندهای حاوی متلاطم آتی حاضر اهمیت اساسی است. در این راه کار بست خلاقانه رهنمودهای شمع تشکیلات که از طریق مختلف به دست ما رسیده است، باید مدنظر قرار گیرد. با هشاری و با اطمینان با بد حرکت کرد. امروز حفظ نیروی خود، تا مین ارتباط بسا سازمان و به انگای آن کمک به تقویت حضور سازمان در میان کارگران و زحمتکشان، عمده ترین وظایف لحظه است. امروز کار بست بیخنده قوانین کار در شرایط مخفی راه پیروزی فردا را می گشاید.

فدائیان خلق!

گسترش نفوذ و مبارزه توده کارگران و زحمتکشان ایران علیه ادامه جنگ و رژیم، از نبردهای طوفانی و سرنوشت ساز آینده خبر می دهد. اوضاع اقتصادی کشور قاعدتا با رونق و فراوانی زحمتکشان بی باقیه شده است. بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رژیم

شدید و حاد است. سربرویدها در کشور با زتاب بیامدهای ادا به جنگ و حکمت تضادها در حکومت، اوضاعی را در کشور پدید آورده است که اکنون رژیم قادر نیست بحران حا دو همه جا نیهای که تار و پود جا مع را درهم می خورد، مهار کند و اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور را بسود خود تثبیت کند.

در شرایط کنونی، اتحاد همه نیروهای چپ و دمکراتیک کشور حول یک پلاتفرم واحد و سراسری برانداختن و جانشینی رژیم به مبرم ترین نیاز جنبش انقلابی میهن ما بدل شده است. در پاسبخ مستولانه به این نیاز جنبش فدائیان خلق باید همچنان بر وحدت عمل و اراده خود تکیه کرده و آن را چون مردمک چشم حفظ کنند و در مبارزه برای نزدیکی و همسکاری همه جریانی های پیرو سوسیالیسم علمی همه استکرات را بیکار گیرند. سرنوشت نبردهای آتی به نتایج این مبارزه بستگی می یابد و پیروزی فدائیان خلق و سوسیالیسم را که اوضاع سیاسی کشور را سمت میدهد، تحت تاثیر قرار می دهد.

فدائیان خلق همچنان با بیداری تحکیم پیوندها خود با طبقه کارگر و توده زحمتکشان شهر و روستا نقشه های سرکوبگری رژیم علیه خود را خنثی سازند و بسا گسترش یابنده توده ای سازمان و نفوذ شعارهای آن نیروی لایزال توده های میلیونی را در برابر رژیم قرار دهند. زندگی و کار در میان زحمتکشان، رسوخ در اعماق زندگی توده ها، سازمان دهنده مبارزه آستانه و جلب اعتماد دویاری شان در ریکا ر مشترک علیه رژیم یگانها هم نیرومندی است که فدائیان خلق را در برابر رژیم سرکوبگر شکست نا پذیر می سازد.

جلب همکاری و اتحاد عمل اعضاء و پیروان سازمان های انقلابی و مترقی و تحکیم این اتحاد در پایش همچنان از وظایف انقلابی مهم فدائیان خلق باقی میماند و شوق مضمئن در جهت تضمین سمت اتحاد طلبانه جنبش دمکراتیک کشور در برابر تلاش های تفرقه جویانه رهبری برخی از ایمن سازمان ها است. تشدید فعالیتها در اتحاد طلبانه، با سخ مستولانه ما به نیاز مبرم جنبش انقلابی ایران است.

رفقا!

فدائیان خلق برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انتقال قدرت به خلق و تحقق اهداف اندیشه ها و آرمانهای والی طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران می رژیم، راه تحقق این آرمانهای سیاسی و اجتماعی را در پی تحقق سوسیالیسم، از بیرون های جمهوری اسلامی می گذرد. بیایان رسانیدن این راه مستلزم از سر راه برداشتن موانع و دشمنان رنگارنگ کارگران و زحمتکشان است. ما وقتی در این راه ایستادیم، گروه کوچکی بودیم که در راهی دشوار و گذرگاه های آتش و خون دست در دست هم، محکم و با استوار پایش آمدیم. اکنون با بیداری زودر بارو، تا نه به شانه از میان دشمنان که از هر سو آتش کین بر ما میبارند و از میان دشواری های بزرگ که ما را احاطه کرده می کنند، به پیروی ادامه دهیم، با مشعل مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و کار بست خط مشی انقلابی را همان را روشن تر کنیم و با نیروی لایزال طبقه کارگر و زحمتکشان ایران، اهریم جنگ و ارتجاع و امپریالیسم را از سر راه برداریم و در برابر برمیخیزیم عزیزان افق صلح و راه دمکراسی و سوسیالیسم را بگشاییم. ما پیروز میشویم.

سرافراز و پیروز باد سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران  
کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
بهمن ماه ۱۳۶۵

و نیز با بر نیروهای بورژوازی و خرده بورژوازی تلاش می کنند که تحول اوضاع سیاسی کشور را طبق فرمول های خود در جهت منافع خود دست دهند. هرگاه نیروهای چپ و دموکراتیک کشور موفق شوند نیروهای خود را بیکار رجه کنند، چنانچه مجموعه نیروهای جنبش دموکراتیک کشور حول یک پلاتفرم واحد برای جانشینی رژیم موجود متحد شوند، هم روند تفرقه رویی وضع موجود و وضعیت انقلابی و سرنگونی رژیم شروع می شود. هم قادر خواهند شد در حیل مساله جانشینی به سود آرمان خلق که استقرار حاکمیت انقلابی خویش است، نقش برجسته ایفا نمایند. اتحاد همه نیروهای ترقیخواه کشور در یک جبهه واحد اکنون فوریت با زهم بیشتری یافته است.

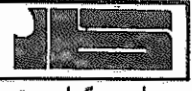
هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
دی ماه ۱۳۶۵

کوشش و ضروری ترین وظیفه فعالین جنبش انقلابی در گسترش بیگاری علیه رژیم برای صلح و دموکراسی و در راستای ارتقای توان این بیگاری به سطح یک جنبش وسیع و سراسری توده ای و انقلابی است.

حیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر اساس تحلیل همه جانبه عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور و بررسی مجموعه کشور، بفرنج و متلاطم رزایی می کند. سمت تحول اوضاع سیاسی کشور بر میزبان و سیاسی بستگی به این دارد که در روندهای آتی، اختلافات و احساسات های سیاسی و طبقاتی میان کدام طبقات و با کدام وسعت شکل بگیرد.

با توجه به شاخص عمده وضع موجود، همه نیروهای ارتجاعی حاکم، همه محافظان امپریالیستی و نیروهای وابسته به آنها، همه جریانی های بورژوازی لیبرالی





صلح، گرامی ترین واژه‌ای است که امروزه در دهان هر سرباز، هر ارتش‌پرویزه‌ای از هزاران جوان و جوانی که به نام بسیجی به جبهه‌های مرگ گشته شده‌اند، جاری است. صدها هزار تن پرسنل مسلح بیش از همه با چهره‌های گریه‌نازیده و دردمند، در دهان و مفاصل بی‌پایان آنرا چشیده‌اند و چونایات دهشتناک را لمس کرده‌اند. رژیم خمینی اکنون بیش از ۷۰ سال است که صدها هزار تن سرباز و بسیجی را در جنگی بدون پیروزی قربانی اهداف جنایتکارانه خود ساخته است، هرگونه اعتراض آنان را با خونریزی قساوتی حیوانی سرکوب می‌کند و از تن مین گوچترین شرایط و امکانات زیستی و رفاهی شان سرباز می‌زند. جبهه‌به‌ارستی یک جهنم است، رژیم خمینی جهنمی را که در آن دستی به مخالفان خود عده می‌دهد، در همین دنیا، در جبهه‌های جنوبی و غربی کشور، برای صدها هزار انسانی که بزور روانه قتلگاه نموده، ایجاد کرده است. در زیرگزارش از شرایط غیرانسانی زندگی پرسنل مسلح در جبهه‌های ایران می‌خوانید:

## گزارشی از زندگی و خواسته‌های نیروهای مسلح در جهنم جبهه‌ها

ارتش می‌گویند: امرا و فرماندهان مطیع آخوندها بخاطر حفظ درجه‌هایشان - که در پایان اخیر بر سر است - ارتقا یافته است. حاضر به تنوعی رژیم خمینی شده‌اند. هر فرماندهی که با رژیم مخالفت کند، شدیداً مورد بی‌توجهی سربازان قرار می‌گیرد. فرماندهان سلطنت طلب می‌کوشند از این وضعیت استفاده کنند و سربازان را به طرفداری از خود بکشند. سربازان و عیناً مراگه ارتش هر جا که بخوانند، مشت آنها را بازمی‌کنند و سربازان را از نقشه‌شان برای سوء استفاده از خشم و اعتراض به حق سربازان آگاه می‌کنند. آنها می‌گویند: نجات از جهنم خمینی بنا به بردن به این جانورانی که امروزه ماسک آزادیخواهی بر صورت زده‌اند، نیست. آنها یک بار امتحان خود را پس داده‌اند و کارنامه‌های سیاه و جنایتکارانه باقی‌گذاشته‌اند.

وضع معیشتی و گذران زندگی سربازان و ارتشبان جزء وحشتناک است. رژیم به علت اوضاع خراب مالی و مخارج سرسام آور جنگ، از پرداخت حقوق ارتشبان خودداری می‌کند. اکثر درجه‌داران به شدت از وضعیت خانوادگی خود نگرانند و هیچ اطمینانی به آینده خود و خانواده‌شان ندارند. سربازان از این هم بدتر است. فشار ناشی از اعتراضات پرسنل ارتش در مورد شرایط روبرو و وضعیت معیشتی خود، روسا و فرماندهان ارتش، ژاندار و رؤسای ارتش را واداشت تا برای جلوگیری از انفجار خشم پرسنل، لایحه‌ای را در جریان ترمیم حقوق پرسنل نیروهای مسلح (ماه ۶۳ رد کرد). فشار ناشی از گران‌ترین روزمره هزینه‌های زندگی، افزایش سرسام‌آور و گرانی به خانگی حقوق، عده قابل توجهی از پرسنل ارتش را مجبور به پیدایش کردن شغل دوم کرده است. در زندگی درجه‌داران و ستوانیارها فقر آشکار به چشم می‌خورد. زندگی امروزیان زینت‌گان رده پایین ارتش، آینه تمام نمای فردای پرسنل شاغل است. فقر در زندگی آنان نیز پیدایش می‌کند. بسیاری از زینت‌گان ارتش و افسران پدیده‌ها را در زندگی به نام "گدا بی‌سایه" می‌نامند. اینها با زینت‌گان ارتش هستند که در جامعه عدل اسلامی برای زنده ماندن مجبور به گدایی شده‌اند. گدایی از خارج و بیگاری، مانع عمده‌ای در گسترش مبارزات پرسنل ارتش برای بهبود شرایط و خیم زندگی شان است. اعتراضات هنوز عمدتاً به شکل فردی صورت می‌گیرد. اما فشار دائمی زندگی آنان را بیشتر و بیشتر می‌سازد.

از هر حمله بیشتر گداه، رژیم، زن و کودک و بی‌سرو جوان را قتل عام و روستاها را با خاک یکسان می‌کند. در تابستان به علت آبیروز شدن مناطق جنگلی و افزایش تعداد کمین، آثار تلفات ارتش خیلی بالا می‌رود. جنایات رژیم در کردستان، سربازان را که به زور به این منطقه فرستاده شده‌اند، بیش از هر چیز به خشم می‌آورد.

اوضاع توده باسداران هم دست کمی از پرسنل ارتش ندارد. باسداران هم شدیداً تحت فشار قسربازان دارند و از روی ایمان کار نمی‌کنند. ایمان به اجبار تبدیل شده است. بخشی از باسداران از کار رفتن باسداران و معلمین و... تحت عنوان بسیجی تشکیل می‌دهند. که با گذران یک دوره ۴۵ روزه آنها را به اجبار به جبهه می‌فرستند. اکثر آنها به جبهه فرار می‌کنند و هیچگاه داوطلب حمله نیستند. قسمت عمده افراد بسیج را نوجوانان ۱۶ - ۱۵ ساله تشکیل می‌دهند که با تهدید فرماندهان و مسئولین مواجه هستند. دیگر بسیجی‌ها داوطلب کمربندی می‌شوند. بسیاری از آنان بعد از آشنایی با نواح جنگ حتی یکساله هم حاضر به ماندن در جبهه نمی‌شوند. فساد اخلاقی شدید ملایان و فرماندهان و پاسداران آنها را تهدید می‌کند. وقتی یک نوجوان بسیجی بخواد همد را به سر عتوانی - حتی موجه - ترک کند، به خانه اش برنگردد. ارباب و پادشاهان می‌کنند. او با بیستی ۶۰ هزار تومان بدهد و ماه هم زندانی شود. افرادی که بدشانسی بیاورند و جزو پاسداران وظیفه قرار گیرند، سبباً بهترین شرفش در انتظارشان است. اکثر پاسداران وظیفه، مسئولین فراری هستند که پس از دستگیری به زور به خدمت در سپاه مجبور شده‌اند. آنها معمولاً دارای زن و بچه هستند و اغلب بین ۲۵ تا ۳۰ سال سن دارند. باسداران وظیفه تحت شدیدترین فشار قرار دارند و معمولاً بدون هیچ‌گونه تائیدی به خط مقدم فرستاده می‌شوند. باسداران آنها را به "چم" برده و اسیر - نگاه می‌کنند و غیرانسانی ترین رفتارها را با آنها دارند. و شلیک مسلسل استفاده می‌کنند. حتی کسی حسی ندارد و مرخصی با زخمی شود.

جنگ و جبهه‌ها که خمینی در جبهه‌ها ایجاد کرده، مقاومت در جبهه‌ها را دامن زده است. سربازان در تمام جبهه‌ها رادیوهای خارجی گوش می‌دهند. در جزئی ترین اخبار ریش جبهه را دنبال می‌کنند. در جبهه حرکات سازمان‌های سیاسی را با کنجکاو و حساسیت تعقیب می‌کنند. علیرغم حساسیت رژیم، مخالفت با جنگ جنبه انقلابی می‌گیرد و شعارهای صلح خواهانه روز به روز بیشتر می‌شود. اخبار مبارزات و مقاومت مردم در برابر رژیم و تأییدات مربوط به آن، دهان به دهان در تمام سنگرها می‌گردد. سربازان نجات خود از جنگ و خمینی را بدرستی در او جگیش جنبش توده‌ای می‌بینند و خود را بین بیگانه‌ترین روز به روز سیم بیشتری برعهده می‌گیرند.

ارتش با شدیداً از جنگ خسته‌اند. کوچکترین انگیزه‌ای برای ادامه دادن جنگ ارتش را وجود ندارد. می‌دانند که این جنگ نه به نفع مردم، بلکه تنها سود سرمایه داران جنگ طلب داخلی، خارجی و آخوندها و حکومتیان است. می‌دانند که در چنین جنگی جز "شهادت" نفعی نصیبشان نمی‌شود. می‌گویند: برای چه جنگیم، برای چه گشته‌ایم، از چه دفاع کنیم؟ از جبهه‌ها که خمینی برای ما ساخته است؟ رژیم نیروهای ارتش را واقعاً به زور در جبهه نگاه داشته است. با هر کسی صحبت کنی می‌گوید اگر سرکوب و دادگاه‌ها می‌باشد، حتی لحظه‌ای هم در جبهه نخواهد ماند. با این حال امروز قرا از جبهه‌ها علیرغم سرکوب و وادگاه‌ها نظمی گسترش چشمگیری یافته است. افزایش ۲ ماه خدمت نظام و وظیفه، ناراضگی بسیاری شده است. سربازان بوجود آورده است. معنی ۲ ماهه اضافی خدمت را کسی نمی‌فهمد که خطر مرگ در هر لحظه بالای سرش پرمی‌زند. سربازان می‌گویند: این رژیم تا ما را نکند و برای تمام عمر به روی مندی چرخد و ریشاند، دست از سر ما بر نمی‌دارد. هر چه فشار رژیم بر ما بی‌انگه‌داشتن سربازان در جبهه بیشتر می‌شود، برای به تشدید مبارزه و ترک جبهه نیز در بین آنان قوت می‌گیرد. سربازان در هر جا که مستقر می‌شوند، اولین مسأله‌شان یافتن راه‌های بازگشت به پشت جبهه است. عده‌ای برای دستور فوق و نظایم خود زنی برای ترک جبهه روز به روز بیشتر می‌شود. بعضی‌ها حتی به دست‌و پایی خود شلیک کرده و برای عمری خود را ناقص می‌کنند، تا نا بدلیغتی از جبهه خلاص می‌شوند. اما کمترین این بیانه‌ها می‌توان جبهه را ترک کرد. زیرا رژیم برای سلامت نیروها پیش‌بینی‌های قابل توجهی نیست. در کنار این اقدامات پراکنده و فردی و دفاعی، سربازان و ارتشبان آگاه بدنیا راه‌های اساسی و شمری بخش می‌گردند. آنها سعی می‌کنند تا راه‌های تازه را بیابند، در دهان و واقعی‌ترین راه‌ها به توده سربازان نشان دهند و مخالفان با جنگ و رژیم را به یک جنبش همگانی در نیروهای مسلح تبدیل کنند.

به جبهه‌ها با زور گدیم، آنچه امکاناتی که رژیم بزور و بی‌نام "کمک‌های امتیازاگر" از دهان مردم بیرون می‌کشد، به کجا می‌رود؟ سربازان از این "کمک‌ها" نصیبی ندارند. بخش بزرگی از این امکانات، سفره آخوندها، حکومتیان و جیره‌خوران ریز و درشت آنها را رنگین می‌کند. اکثر امکانات رفاهی نیز که به جبهه فرستاده می‌شود، نصیب سبب می‌گردد و کمترین و بدترین قسمت آن به ارتش داده می‌شود. تا به همان نیز ما ننگ گلوله برقی که دست به دست می‌گردد، تا به دست آنان برسد، قسمت اعظمش آب می‌شود. در جبهه‌ها انواع بی‌بیماری‌ها پدید می‌آید. وضع بهداشتی وحشتناک است. مایون حکم کیم دارد. سربازان خواب راحت ندارند. در سنگرها انواع حشرات و جانوران و در بیرون گلوله‌های عراقی‌ها سربازان را کلافه می‌کند. عدم بهداشت، مداوای غلط، کمبود دارو، سرما، گرما، در شرایط نبود کمک در جبهه بزرگی قربانیان زیادی می‌گیرد. لازم به گفتن نیست در جبهه‌ها رقم تلفات جقدر بالاست. اکثر قربانیان سربازان و بسیجی‌ها هستند. رژیم هیچ وقت آنها را واقعی را منتشر نمی‌کند. در جبهه‌ها زهر طرف مرگ‌انسانها را محارمه کرده است. نه تنها گلوله‌های عراقی و شرایط غیرانسانی، بلکه حتی "خودکفایی" رژیم نیز بزرگی بسیاری مواقع نتیجه‌اش کشتن سربازان خودی است. بوق و کرنای رژیم در مورد مهمات ساخت داخل در بین سربازان با تن فروخته‌شده در این حال فاجع زیادی همراه است. بسیاری اوقات گلوله‌ها و خمپاره‌های "ساخت جمهوری اسلامی" موقع استفاده متفرقه شده و موجب تلفات در بین سربازان می‌شوند.

آن بخش از سربازان که در کردستان می‌جنگند، به شرفش سبباً هتری مواجه‌اند، آنها مجبور به خودکشی با هم می‌باشند و خودکشی برای دستیابی به حقوق عادلانه خود اسلحه بدست گرفته‌اند و درگیر می‌شوند.

همراه با گسترش ناراضگی از جنگ، بیگردد و سرکوب مردم در جبهه‌ها تشدید شده است. رژیم هر اعتراضی را با سرکوب و خشونت پاسخ می‌دهد. ما مسووران و جا سوان ساواک خمینی، رکن ۲ و دوایر سیاسی - عقیدتی مثل حشرات مودی مرتباً به سنگرهای سربازان سرکشی می‌کنند و خیال خودشان را تمام حرکات آنان را زیر نظر می‌گیرند. رژیم از مزدوران خود برای کنترل حرکات مخالفین جنگ، مجبور کردن سربازان به حمله... و سبباً استفاده می‌کند. رژیم به توده ارتشبان بی اعتماد است و به همین دلیل فشارهای زیادی به سربازان ورده‌های پایینی ارتش وارد می‌کند و نتیجه آن شده است که پرسنل ارتش فکری کنند که به محض خاتم جنگ رژیم ارتش را منحل خواهد کرد. هم اکنون کنترل شدید بر پرسنل ارتش معترض، اعمال می‌شود و مشتاق آخوندی سواد و ارتجایی با دخالت‌های گستاخانه در کوچکترین امور آنها را عذاب می‌دهند. هر آخوندی اروپایی سربازان را به چشم غلامان ز خریده نگاه می‌کند. در یک سری دایمی بر سر سبباً سبباً عقیدتی، تشرف شدید رژیم را در پرسنل ارتش دامن زده است و حتی گاهی منجر به درگیری‌های مسلحانه بین واحدهای ارتش و سبباً می‌شود. سربازان در برابر خرافات و اوهامی که رژیم می‌خواهد به زور در سر آنان فرو کند، مقاومت می‌کنند.

علاوه بر زورگویی آخوندها، در خود ارتش نیز مقررات بی‌سبب و اطاعت کورکورانه و تحقیر و توهین، فشار و درگیری‌های رابرسر سربازان و پرسنل آزه‌دار ارتش وارد می‌آورد. فرماندهان آرتش سربازان رفتارهای غیرانسانی دارند. کوچکترین سبباً از دست‌و پوی شخصی فرماندهان طرفدار رژیم، اعزام سبباً خط اول جبهه به مسدودت اسلحه مسدود را به دنبال دارد. سربازان و کادری در جبهه‌ها

سربازان وظیفه! ارتشبان آگاه!  
بسجی‌های مخالف جنگ!  
راه دستیابی به صلح، تنها تشدید مبارزه است.  
جبهه‌ها را به میدان تبلیغات ضد جنگ و ضد رژیم تبدیل کنید.  
در عملیات و حملات شرکت نکنید.  
احیاً رقبا و مت پرسنل و مبارزه زحماتشان در راه صلح و آزادی را در سنگرها بخش کنید.  
با سز بکترین و مطمئن ترین دوستان خود هسته‌های کوچک ۳ تا ۴ نفری و کاملاً مخفی را تشکیل دهید و فعالیت انقلابی را در جبهه‌ها و پادگاه‌ها گسترش دهید.  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

# به جبهه نروید. در حمله شرکت نکنید. جبهه را ترک کنید!

درباره طرح "واگذاری اراضی کشت موقت"

اخیرا مجلس خمینی طرحی را تصویب کرد که به موجب آن بخشی از اراضی "کشت موقت" مطابق مقررات این طرح به دهقانانی که سالهاست در کار می کنند و شرایط مورد نظر طرح هستند، بطور قسطنطینی واگذار و اقساط دریافت شده به مالکین زمین ها پرداخت خواهد شد. این طرح با تکیه بر "احکام ثانویه" و بنا بر "ضرورت" بصورت قانون در آمد و مدت سه سال نیز اعتبار قانونی دارد.

چه هنگام بحث این طرح در مجلس وجهی از آن، روزنامه های جیره خوار رژیم (ویویزه روزنامه جمهوری اسلامی) برای فریب مردم ویویزه میلیونها دهقان، هیا هوی بسیاری براه انداختند و طرح "واگذاری" را گامی پیشرو و پرمیانی در حل مسأله زمین ها میدانند. اراضی کشت موقت کدامند و طرح واگذاری آن چگونه است؟ رژیم ارضی و زمین های کشت موقت را در این طرح به میلیونها دهقان ستمدیده ایرانی چه خواهد داد و وظایف دهقانان در برابر آن چیست؟

"اراضی کشت موقت" نامی می بود که رژیم خمینی بصورتی زمین های دهقانان در جریان انقلاب از بخشی از مالکان پس گرفته بودند. دهقانان زمین را که روی آن کار می کردند، مصداق کرده برای بدست آوردن سند آن مبارزه می کردند. اما رژیم نه مصداق و نه مالکیت دهقانان بر اراضی مصداق را به رسمیت نمی شناخت و توان آن را نیز نداشت که زمین ها را با زبانی موقتی بودن کشت نتیجه این وضع بود. رژیم هر جا که امکان یافت، برای بازپس گرفتن زمین ها حتی با اسلحه (محتسبی در گنبدیا تنگ) به جنگ در می رفت، ولی در نتیجه مقاومت دهقانان هرگز نتوانست هم زمین ها را به فتوای بازرگانان، ازینورد و شیربومراه ۵۹ طبعی نامه های دستور داد که زمین های مورد نظر را تحت عنوان "اراضی کشت موقت"، موقتاً به مدت یک سال بصورت اجاره یا مزارع به دهقانان واگذار کند. رژیم در اثر مقاومت دهقانان تا جایی که هم در سال ۶۰ و هم در سال ۶۱ بخشناست به مورد نظر آمدت یک سال دیگر تمدید کند. خمینی نام مردوران را رسال ۶۱

با وضعی که با وضعی که در آن شروع به بازپس گرفتن زمین ها کردند. دادگاه های عدالتی شروع دست به دست خانها و فتوای لای خورشام دادند. رژیم پاسداران خود را نام و... ارضی دهقانان پس گرفته و همچنانکه خود را بنادگان خمینی در مجلس ۱۴ (۶۵) اقرار کردند. در جریان این امر، عمده زبانی از زمین های بنادگان افتادند، بلق خوردند، کتک خوردند، وضع بسیار ناچهار شد و بیگانه تر شدند. همانطور که خود را بنادگان اقرار نموده اند، پس از کشت بوش رژیم دهقانان، شورای عالی قضایی بناچار به بخشنامه ای به کلیه دادگاهها و ادارات سراها داد که در رابطه با اینگونه اراضی داخل نمی کنند و حکمی صادر نکنند. قرار شد که وضع مالکیت این اراضی توسط مجلس تعیین شود. طرحی که در آن ماه ۶۵ به تصویب رسید، در این رابطه است. در طرح واگذاری اراضی کشت موقت گفته شده است: کلیه اراضی با برودا بزرگ بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان سال ۵۹ در سراسر کشور تا پایان سال ۶۳ در مناطق کردنشین در اختیار رئیس موقت قرار گرفته و روی زمین کشت نموده اند (کشت موقت) به حکم ضرورت به کشت و زراعت متصرفان واجد شرایط بزرگ باشند. الف - بی زمین پاک زمین - ب - ممرودا می غیرا زکنا و زراعت نداشته باشند. ج - ساکن محل باشند به قسطنطینی واگذار می شود... در طرح تا کید شده است که "بهای عادلانه؟ زمین دهقانان گرفته شده به صاحبان زمین (یعنی زمینداران) مسترد خواهد شد... زمین های بی که بیسین مالک یا مالکین متصرف یا متصرفین انقلابه عتایین مختلف شرعی از قبیل اجاره، بیع، هبه و غیره و توافق وجود دارد، از این ماده مستثنی هستند... هرگاه متصرفین واجد شرایط فوق نباشد، زمین از آنها مسترد و در اختیار مالک یا مالکین قرار می گیرد..."

اولا در این طرح رژیم یک بار دیگر بطور رسمی صدها هزار دهقان را متصرف و غیر مالک می نامسد و اربابان را "صاحبان زمین" می خواند. علت این مبروش است. آخوندهای حاکم رژیم آنرا طرفدار مالک هاست به دهقانان. عده آزا خود را حتی با فروش زمینهای مصداق شده به دهقانان هم درکننده نیز خاقتند. همچنانکه مذاکرات مجلس خمینی نشان می دهد، در جریان بحث بر سر طرح مورد نظر، حتی یکی از نمایندگان ارتجاع یعنی فهمی گرامی، دهقانانی را که فریب خمینی و آخوندهای رنگ و رنگش را نخورده و زمین ها را مصداق کرده اند "گافرو" و "بی غی خواهند" و واگذاری زمین و هرنوع تمکین در برابر آنها را

مخالف شروع اعلام کرد و یکی دیگر (میرجعفری) فریاد برآورد که "اگر بیغیبراکرم بود حکم می کرد که بگیرد دست این متصرف دهقانان را و بپاشد زبانش را". اینک مجلس ارتجاع مجبور شده است چنین طرحی را تصویب کند، از روی "ضرورت"، (از سرنا چاری)، یعنی از ترس مبارزه و مقاومت دهقانان برای آینده رژیم است. اگر این کار جاری نبود، همه این اراضی نیز باید به مالکان خون آشام بازرگانانده می شد.

ثانیا در طرح گفته شده است که زمین به دهقانان "واجد شرايط" واگذار خواهد شد و توضیح داده شده است که اگر دهقانانی ممرودا می غیرا زکنا و زراعت داشته باشند و یا اگر ساکن محل نباشند یا اگر توانایی پس بیسین شده و در اختیار مالکین قرار خواهد گرفت. معنای این اما و گراها این است که همین قانون نیز مالکیت همه این اراضی را به دهقانان منتقل نخواهد کرد و در جریان اجرا تا آنجا که مسئولان بتوانند مصالح مالکان را حفظ می کنند. با توجه به فلاکتی که رژیم طرفدار سرما به داران و ملاکان، دهقانان را گرفتار آن ساخته است، چه بسیارند دهقانانی که بصورتی سرگردان شکم زن و فرزند خود، خود را به هر دری زده "ممرودا می" همچون دستفروشی عملی در شهرها و بافتها ندوچه بسیارند انبوه دهقانانی که به دنبال لقمه ای نان به بنا چار و زسر "ضرورت" موقتاً جلا می وطن کرده اند "ساکن محل" نیستند، و نیز چه بسیارند افرادی که از سرنا چاری، "توافق" هایی با مالکین مزارع، اجاره و... با مالکان را بر انداخته و این طسرح شامل حال آنان نخواهد شد. تلاش رژیم برای مسر هم بندی کردن این "شرایط" آن است که حتی الامکان مالکیت بخش کثیری از این اراضی مصداق را به دهقانان واگذار شود و حتی الامکان زمین در دست خود مالکان باقی بماند.

ثالثا بر اساس این قانون، دهقانان باید با بدیابت مالکیت زمین، "بهای عادلانه" آن را به مالک بدهد. صورت قسطنطینی پرداخت کنند. برای اینکه خوب فهمیده شود که خمینی با ریختن پول دهقانان به کیسه مالکان محترم، چه خیانتی به دهقانان می کند، باید دانست که این مالکان محترم به چه زالوهایی هستند و قسطنطینی زمین در دست دارند. میزان زمین های که طسرح در ایران به تصویب شده، حدود ۸۰۰ - ۷۰۰ هزار هکتار است. روی این زمینها ۱۴ هزار خانوار دهقانانی یعنی بیش از ۷۰۰ هزار نفر کار و زندگی میکنند، همه این ۷۰۰ هکتار، یا ضافه صدها هزار هکتار دیگر تنها متعلق به ۵۶۰۰ مالک است که برخی از آنها بدین هزار هکتار زمین دارند و زمینهای صدها صدها خانوار دهقانی حکم می خورند. نمایندگان رژیم خود به برخی از این مالکین در مجلس خمینی (آبان ۶۵) اشاره کرده اند و بطور مثال گفته اند که:

"در فارس مالکی به نام دلاوری ۴ هزار هکتار را جلیلود ۴۵۰ هکتار و خاغنیر بیبیا ۳۰۰ هکتار، خواران بیبانی ۲۰۰۰ هکتار زمین دارند که فقط ۲۵۰ هکتار (از آنها) کشت موقت است. یعنی مشمول این طرح است) و بقیه در اختیار خودشان است. غلامرضا حکیمی معروف به خسر السلطان ۳۰۰۰ هکتار زمین دارد که ۸۰۰ هکتار آن کشت موقت است. محمد خان بیات در ساوه صدها هزار زمین دارد. در شیراز ۷۰۰۰ هکتار زمین کشاورزی دارد، در گنبد سرهنک قادری ۲۷۰۰ هکتار، جعفریان ۲۷۰۰ هکتار، احمدی و خاخواهدهانی ۴۰۰۰ هکتار، گنگ شیخی ۱۸۰۰ هکتار زمین دارند، ... این مالکین که ۲۰۰۰ هکتار ۲۵۰ هکتار، ۵۰۰ هکتار، ۱۰۰ هکتار زمین دارند، خیلی زیادند و اگر مطابق این قانون ما اراضی کشت موقت (۸۰۰ - ۷۰۰ هزار هکتار) را بصورت (از سرنا چاری) تصویب کنیم که به زارعین واگذار شود بقیه اراضی در اختیار همین مالکین کشت موقت خواهد ماند. رژیم خمینی دهقانان را به سود این مالک هیا سرکشی می کند.

رابعا همانطور که در تبصره ۸ طرح ذکر شده است، این قانون بنا به ضرورت" به مدت سه سال تصویب و اجرا می گردد. یعنی قانون فقط سه سال اعتبار دارد، آنهم در صورتی است که در همین مدت جلوی اجرای قانون را در عمل نگیرند. اهداف رژیم ارضی و زمین های این طرح چیست؟ رژیم خمینی مدافع منافع سرمایه داران و ملاکان است و دفاع از آنها را "وظیفه شرعی" خود می داند. از طرف دیگر برای انجام این وظیفه شرعی باید موجودیت خود را حفظ کند و از این نظر می کوشد به نوعی مشکل کند که هر دو این اهداف را برآورده کند. رژیم خمینی کوشد با تصویب این طرح و هیا هوی بسیار در راه آن، همچنان خود را طرفدار "مستضعفین" قلمداد کند و بنا به نوشته روزنامه جمهوری ۱۴ (آبان ۶۵) مانع آن شود که رژیم "حیثیت خود را در صورتی هیا از دست بدهد. روزنامه جمهوری اسلامی در توضیح

علل تصویب طرح و مزایای آن با اشاره به همین نکته به صراحت نوشته است: "مسأله زمین آرزوهای اول ... در مناطقی نظیر گنبد، کردستان و... بعنوان یک جریبه مورد استفاده قرار گرفته، به همین دلیل حل مسأله زمین (۱۴) گروه را برای همیشه خلق خواهد کرد" معنای نوشته های روزنامه ارتجاع این است که آنجا که نمیتوان زمین ها را از دهقانان پس گرفت، زمین را به دهقانان بفرشید تا کمونیت هیا که بگیرد ترازمه خواهان اطلاعات اراضی بنیادی هستند، بتوانند در میان دهقانان ریشه بدهند. در شرایطی که مدافعان سرمایه داران و ملاکان بسر سر قدر شده، اینگونه تقسیم و واگذاری زمین به دهقانان، نتیجه ای جز خرابی برای میلیونها دهقان نخواهد داشت. در شرایطی که خود دهقانان صاحب زمین در اثر نداشتن امکانات، قرضه شدن با زار در دست سرمایه داران و ملاکان، عدم تشبیهت قیمت محصولات کشاورزی، گران و نوسان قیمت هیا هر روز هزار هزار در اثر نوسان قیمت گران، راه شهرها را در پیش می گیرند، چگونه می توان هم قسطنطینی زمین را پرداخت، هم با زمینداران کردن کلفت رفاقت کوه هیا هم هزینه های کم رشنک گاشت و داشت و برداشت و عرضه را تامین کرد. روشن است که دولت دشمن کارگران و زحمتکشان نه مسئولیت تهیه امکانات (آب، گوشت، بذر، تراکتور و...) را تقبل می کند و نه امکانات حمل محصول به بازار را در اختیار دهقانان قرار می دهد. با اجرای این طرح به هر خا نوار واجد شرایط، قطعه زمینی تعلق خواهد کرد که کشت باید با بیروا مکانات خود بدون هیچگونه کمک دولتی، و تا می یا بر پرداخت قسطنطینی و داشت و برداشت و فروش آنرا به تنهایی بر دوش بکشند. سرانجام روستایی ستمدیده بیش از هر وقت دیگر ورشکست خواهد شد، دست خود را به سوی ملاکان یا سلف خرا و... دراز خواهد کرد و در نهایت و بناچار زمینها به پولدارها خواهد فروخت، راه شهرها را در پیش خواهد گرفت تا عمری را در جستجوی لقمه ای نان با فلاکت به این سوآن سبو بدهد.

اینکه دولت در دستارک تهیه و اجرای آیین نامه اجرایی این طرح دهقانی است، فدائیان خلق موظفند برده از روی نیت ارتجاعی رژیم ضد خلقی بردارند. باید دهقانان مشمول طرح را از جوانب گوناگون نشانه های رژیم در تصویب طرح آگاه کرد. دهقانان "اراضی کشت موقت" باید بدانند که پسک و جاب از زمینی را که در اختیار دارند، نباید به مالک بازرگانانده، باید از دادن اجاره زمین، سهم مالک و غیره به مالکان خودداری کنند.

دهقانان اراضی کشت موقت" باید بدانند که زمین متعلق بکسانی است که روی آن کار می کنند. نه کسی حق دارد آنرا از دهقانان با زبیکیردونه حق دارند و بی با آن مطالبه کند، آنها نیز باید بدیناری هم به رژیم پرداخت کنند. تنها راهی که مقابل این دهقانان باقی است، مبارزه با رژیم و بطور مشخصی ایستادن در برابر این طرح فقهدهقانی است. باید مبارزه توده دهقانان را سازمان داد. به مبارزه منظمی شکل های انقلابی آنان کمک کرده و با مقاومت سازمان یافته آنان، رژیم را مجبور کرد که به مالکیت رسمی و رایگان آنان بر زمین اراضی تسن دهد.

زمین ازان کسانی است که روی آن کار می کنند  
دهقانان زحمتکش اراضی کشت موقت!  
طرح واگذاری اراضی کشت موقت یک طرح ضد دهقانی است. رژیم می خواهد بخشی از زمین های تان را از شما بگیرد و بخش دیگر را به شما بفروشد.  
زمین مال شماست، کسی حق ندارد آن را از شما بگیرد و با بی با آن بولی از شما بخواهد از پرداخت بولی با بی با آن زمین ها خودداری کنید.  
یک وجب از زمین ها را به مالک پس ندهید. سند مالکیت زمین باید بدون هیچ قید و شرطی بنام شما صادر شود. در برابر این توطئه رژیم نیز ایستادگی کنید. متحد شوید، شکل های انقلابی خود را بوجود آورید. به رهمنوهای فدائیان خلق عمل کنید.  
خمینی در برابر مبارزه متحدانه شما هیچ غلطی نمیتواند بکند.  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
دی ماه ۱۳۶۵

زمین ازان کسانی است که روی آن کار می کنند



### آرمان جنبش ۲ ری بندان جاوید است

چهل و یکسال از "۲-ری بندان" که نقطه عطف رهبری در سیرتاریخ معاصر خلق بیکار جوی کرد است، میگذرد. جنبش "دوری بندان" تحت رهبری ملی و دمکراتیک حزب دمکرات کردستان ایران بسط و گسترش یافته و پیروزی رسیده، در پیوند تنگاتنگ مبارزه خدایمبارک با سوسیالیسم و عدالتخواهان سراسری پیشرفت کرد و در اتحادیه جدیدی با همگرایان، ترقی و سوسیالیسم شکوفان شده. به گونه ای که دستاوردهای پسران آن فقط بیازده ماه حاکمیت ملی مردم، پشتوانه نیرومند و سست ارزمندهی را برای تداوم و تعالی جنبش خلق کرد در سیرتاریخ مبارزاتی آن فراهم آورد. حاکمیت ملی خلق کرد از همان ابتدا در معرض توطئه های امپریالیسم آمریکا و انگلیس و رژیم سرکوبگر شاه و ارتجاع محلی قرار گرفت و سرانجام در اوایل زمستان ۱۳۲۵ با یورش سبانه و سولمانه جنبه ارتجاع روبرو گردید. ترقی این یورش، خلق کرد از دستاوردهای ارزمندهی محروم ماند، و رهبر سرجسته خلق کرد - سید قاضی محمد - به همراه عسکری از رهبران جنبش اعدام شدند و هزاران نفر از فرزندان مردم زندانی و یا تبعید گردیدند. اما این جنایت و سرکوب نتوانست از اهمیت تاریخی جنبش "۲-ری بندان" چیزی بکاهد و در نهایت در پی درسی های گرانقدر آن زلب و اندیشه توده های کرد بیرون کند.

انقلاب بهمن که خلق کرد در آن نقش فعالی ایفا کرد، فرصت بسیار مساعدی را برای مردم کردستان فراهم ساخت تا در راه تحقق اهداف و آرمان های "۲-ری بندان"، مبارزات خود را گسترش دهد. جنبش ملی خلق کرد این بار با شوری بیشتر و در باعادی گسترده تر که بار رهبری سازمان ها و احزاب ملی، چپ و دمکراتیک هدایت میابد، اوچ گرفت. اما این پیشت توده ای بلافاصله با سرکوب جنون آمیز رژیم جمهوری اسلامی مواجه شد. جنگی که رژیم خمینی بر خلق کرد تحمیل نموده تاکنون موجب کشتارهای زیرا زهرآمیز و سید فاع کردستان و ترقی بیش از همین توده ها، نوجوانان و جوانان غیر کرد شده و سرسری در رنج و شکنجه ها و شکنجه های گوناگون در پیچ و خم زندان ها و زندان های گوناگون در سراسر کردستان "۲-ری بندان" باید بر آنچه که هم اینک کردستان میگذرد تا مل و ویژه کرد، ماهیت روند ها و حوادث در این نطفه و نتیجه گیری های ضروری بعمل آورد.

رژیم حنک افروز خمینی، از مدتی پیش در صدد برآمد تا با بخش وسیع تری از نیروهای ملی کرد عراق رابطه برقرار نماید و این نیروها را در بلوکی ارتجاعی با آتش وحشیانه و اعوان و اتناش وارد کند رژیم با بهره برداری از تنگناهایی که در نتیجه فشارهای دوزخ رژیم سرکوبگر ترقی و عراق است، برای کردهای عراق بوجود آمده، میگویند اهداف ارتجاعی خود را به عمل میویند. اهدافی که رژیم از سیاست جدید تعقیب می کند چنین است:

۱- متلاشی کردن جنبه میهنی دمکراتیک عراق با هدف انفراد حزب کمونیست عراق که در پی ریزی، حفظ و تحکیم این جنبه انقلابی و دمکراتیک علیه رژیم دیکتاتوری صدام حسین نقش قاطعی ایفا کرده است.

۲- تبدیل بخشی از نیروهای جنبش ملی کردستان عراق به خادمان سیاست های توسعه طلبانه و ارتجاعی خود در عراق.

۳- تقویت جریان ارتجاعی "مجلس اعلی انقلاب اسلامی عراق" و تحمیل رهبری آخوندهای دست نشانده خود بر بخشی از نیروهای ابوزیسیون دمکراتیک عراق.

۴- استفاده از بخشی از نیروهای کرد عراق علیه جنبش ملی کردستان ایران و ایجاد تفرقه و درگیری های خونین بین نیروهای دمکراتیک دو کشور.

شواهد موجود حاکی از آنست که رژیم خمینی به تحقق سیاست نوین خود با امید می نگرد. تشکیل "کنفرانس همیاری ملت عراق" در تهران که در قطنها هم با نیای حتی یک کلمه هم از خود مختاری کردستان عراق "سخن به میان نیامد" با اشاره درگیری های خونین ماه های اخیر بین افسران و کادرهای میهنی کردستان و سازمان مجاهدین خلق ایران در درون خاک عراق و در مناظرات سوزی جنگی بی نظیر بر سر سیاست زسوی رژیم است.

رژیم جمهوری اسلامی که در کردگش "کوی سبقت را از همه دژخیمان خلق کرد برده است، هرگز نمیتواند در این سوی مرز دشمن خلق کرد با ثدولی در آن سوی مرز دوستدار روحا می آن، این رژیم خصم خلق کرد است هم در ایران و هم در عراق.

رژیم صدام نیز می گوید و از قبل هم می گوید تا با استفاده از تشدید فشار رژیم جمهوری اسلامی علیه نیروهای ملی کردستان، با بهره گیری از تفرقه افکنی در میان نیروهای دمکراتیک ملی کشور، همسایگان سیاسی را در مورد نیروهای کرد ایران و نیز بخشی از سازمانهای دمکراتیک ایران به اجرا بگذارد و رژیم خمینی می گوید در رابطه با نیروهای کرد عراق بگردد.

حال اگر وضع آنگونه که مطلوب هر دو رژیم ارتجاعی است پیش برود، با بدگفت که فاجعه بزرگی فراروی جنبش ملی خلق کرد در هر دو کشور قرار میگیرد. در چنین شرایط حساس و سرنوشت سازی است که با اولابید اهمیت قطع جنگ ایران و عراق را از نظر تاثیرات مخرب همه جا نبه آن بر موقعیت کنونی و سرنوشت آتی جنبش ملی کردستان در ایران عمیقاً درک کرد و جنبش ملی کرد در هر دو کشور را با مبارزه همه جلی هسای ایران و عراق با خطر استقرار صلح بیخوند داد.

ناشای در راه ایجاد جنبه متحد همه نیروهاست انقلابی، دمکراتیک و ترقیخواه کشورهای همسایگان را بگردد تا بین و گسترش اتحاد در مجاری سبانه نیروهای جنبش ملی خلق کرد و نیروهای دمکراتیک و انقلابی کشور، نقش برجسته ای در جنبش ملی خلق کرد داشته باشد. رژیم سرکوبگر خمینی، ترقی و عراق علیه جنبش ملی کردستان را با فواید هدر کرد، بیکار در راه اتحاد احزاب و سازمان های جنبش ملی خلق کرد و نیروهای دمکراتیک و انقلابی کشور، مطالبه مشخص این لحظه و معیاری جهت درک مسئولیت هر انقلابی در برخورد با معضلات کنونی جنبش دمکراتیک و انقلابی خلقهای ایران است.

تا لاشا منظور قطع فوری ویی قید و شرط جنگ بین حزب دمکرات و کومله که تاکنون بیشترین سود را نصیب رژیم کرده است. و حل اختلافات نیروهای سیاسی از طریق مذاکره، جداگانه و با یکدیگر گرفت.

تا مین و تحکیم همگامی نیروهای جنبش ملی و بیوند این جنبش با جنبش ملی خلقهای ترقی بلوچ و عرب و جنبش دمکراتیک کشورهای بیرومند می کند. را با عباد در راه تا مین همگامی و سیاسی و متقابل میان نیروهای دمکراتیک و انقلابی دو کشور بویژه احزاب و سازمان های رزمنده کرد در هر دو کشور حد اکثر کوشش را انجام داد.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با درک مسئولانه بفرنجی شرایط و حساسیت لحظه تلاش های خود را در همه جهات فوق الذکر ادامه داده و برای ختگی کردن توطئه های دشمن فعلا نه مبارزه می کند. فدائیان خلق در هر جا که باشند و بویژه در عراق رزمنده ما در کردستان، در راه تحقق این وظایف انقلابی بیکار می کنند. سازمان ما با درگیری از حزب دمکرات کردستان ایران می خواهد که در راه تشکیل جنبه فدا میربا لیستی و دمکراتیک پیش نهادی وجود، حاد عملی برادران.

سازمان ما از همه هم میهنان آزاد و صلح دوست می خواهد تا از رزمه دلانه خلق کرد در راه دمکراسی برای ایران و خود مختاری برای کردستان قاطعانه حمایت کنند.

را زور می پیروزی همه خلقهای ساکن کشور فشردن دست دوستی و اتحاد بیکدیگر در نبرد علیه رژیم ارتجاعی و جبار خمینی است. در چهل و یکمین سالگرد سرود "۲-ری بندان" دست در دست هم نییم و با یکدیگر رستن آزمون های جنبش "۲-ری بندان" و سپهره گیری تاجرب گرانقدر چهل و یک سال مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، جنبش ملی خلق کرد را پیروز مند به پیش ببریم!

### جنايات تازه رژيم خميني

رژیم جنایتکار خمینی که قافله بدبختی و کشتار صدها حق طلبان مردم نیست، مذبح خون می گوید کشتار مبارزان و انقلابیون، از توده ها تا مکتب، نشریه فدائی "در شماره ۳۰ خسرو" اعلام ۲۲۴ زن زندانی سیاسی، توسط دژخیمان خمینی را انتقار داده است. تاکنون تا مدتی از کادرهای این سازمان (پیروان بیانیه ۱۶۴ نفر)، رفقا اسما علی حسینی و منصور پور محمدی در میان اعدام شدگان نام مشخص شده اند.

در ۱۴ بان ماه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران طی اطلاعیه ای اعلام کرد که عبدالکحیم را بی عقوبت رژیم مرکزی و منطقه جنوب کردستان و ۳۰۰ نفر دیگر از رهبران همزمی در نبردی قهرمانانه با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی به شهادت رسیده است.

در اطلاعیه کمیته مرکزی آمده است که با شهادت رفیق عبدالکحیم را بی، حزب یکی از بهترین و دلسوزترین کادرهای خود مردم کردستان یکی از با وفاترین فرزندان خود را از دست داد.

سازمان ما از همه نیروها، شخصیت ها و محافل مترقی و آزادیخواه ایران و جهان می خواهد که جنايات رژيم خميني علیه زندانيان سياسي و انقلابيون را محکوم کنند و با حمايت قاطعانه خود، همیستی شان را با مردم ایران در مبارزه علیه رژیم ددمش خمینی نشان دهند.

### اقدام ضد انسانی رژیم ترکیه

بر اساس گزارش منتشره از سوی وزارت کشور جمهوری اسلامی، عضو حزب دمکرات و کومله در سراسر ایران و ترکیه توسط ماورین رژیم ترکیه دستگیر شده و به مزدوران رژیم خمینی تحویل داده شده اند. وزارت کشور جمهوری اسلامی در اعلامیه مذکور خاطر نشان کرده است: "تحویل این افراد به ایران و به دنبال تلاش های مسئولین ذریع و نیز به سبب وجود روابط دوستانه و حسن همجواری بین جمهوری اسلامی ایران و ترکیه صورت گرفته است".

دیکتاتورهای ترکیه قبلاً گفته بودند که اجازه نخواهند داد که نیروهای جنبش ملی کرد در ایران و نیروهای مترقی ایران علیه رژیم اسلامی قاطعانه کشته شوند. تحویل کرد مخالف رژیم خمینی، نتیجه توطئه مشترک دوزخ رژیم ارتجاعی است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه، از همه احزاب و سازمان های مترقی و محافل بین المللی می خواهد که با زیر فشار گذاشتن دولت ترکیه مانع تکرار چنین حوادث فاجعه آفرین شوند.

### یاد کریم کسا و وزگرا می باد

کریم کسا و وزگرا می، مترجم و پژوهشگر ناقصی که عمری را در خدمت به فرهنگ و ادب و تاریخ ایران صرف کرد، در ۸۴ سالگی در تهران درگذشت.

کسا و وزگرا در سال ۱۹۰۱ و به گفته خودش در آغاز قرن انقلابی، در رشته ادبیات، پژوهشگر و مترجم علم و ادب و ترجمه آثار دانشمندان و پژوهشگران برجسته، در مبارزه علیه استعمار و دیکتاتوری در کنار انقلابیون راه سپرد. او با ترجمه ها و تالیفات بر بار خود در تجویز روشنفکران مترقی ایران به آثار پژوهشگران مارکسیست و ترویج ادبیات انقلابی و مردمی نقش ارزنده ای ایفا کرد و به همین سبب در دوره دیکتاتوری رضاخان و محمد رضا شاه وجه دردوره حاکمیت قرون وسطایی خمینی هرگز از تعقیب و فشار در مان نماند. در دوره پهلوی ها با رها زندانی و تبعید گشت، حق خروج از کشور و حتی کار در موسسات خصوصی از او سلب شد. آثار او بر نگیناننده حساسیت ساک و او داره با نسر بود.

کسا و وزگرا زبانهای فارسی، روسی، عربی و فرانسه تسلط داشت. او با کتابه این تسلط بیش از ۶۰ اثر ترجمه و تالیف کرد. که "اسلام در ایران"، "کسا و وزگرا" و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول (اثر لری و شمس) "تاریخ ایران از آغاز تا پایان سده هجدهم (پطرو - شمسکی و دیگران)"، "تربا نعلی بیگ و... (جلیل محمدقلی زاده)"، "افسانه های کردی"، "حسن صباح"، "هزار سال شترپا روی" و... از آن جمله اند.

کسا و وزگرا ترجمه آثار دانشمندان شوروی، تاریخ تکامل جامعه و حیات و مبارزات توده های زحمتکش ایران و نیز مبدی بررسی آن از دیدگاه علم مارکسیستی را در دسترس خوانندگان ایرانی نهاده و همین نظر در دوره خمینی نیز بسیاری از این ترجمه ها بویژه "اسلام در ایران" و "تاریخ ایران" را از شناخت خود از نسل معاصر انقلابی ایران بخشی از شناخت خود از تاریخ و ادبیات ایران و فرهنگ و ادب جهان را مبدیون زحمت کریم کسا و وزگرا است. نام او و میثا به یکسانی از خدمتگزاران اصیل فرهنگ و تاریخ مردم ایران همواره در یادها خواهد ماند.

### مدت پخش برنامه های رادیو زحمتکشان ایران دو برابر شد.

به برنامه های رادیو زحمتکشان ایران گوش فرا دهید.

رادیو زحمتکشان ایران، صدای آزاد همه کارگران و زحمتکشان کشور و صدای برج تمام محرومان میهن است.

رادیو زحمتکشان ایران هر روز از ساعت ۷ بعد از ظهر به مدت یک ساعت روی امواج کوتاه ردیف های ۲۸ متر، ۴۹ متر و ۶۰ متر برنا می پخش می کند. این برنا به مدت ۸ عصر همان روز و صبح روز بعد تکرار می شود.

ساعت و طول موج رادیو زحمتکشان ایران، صدای رسای صلح و آزادی را با طربسپارید، وقت و طول موج آن را به همه بگویید و در همه جا بنویسید. برای مگانیه را رادیو زحمتکشان ایران به آدرس نشریه "کار" ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نامه بنویسید.

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!